

کتابخانه انقلابي تهران

تشديد تضادهای دروني هيئت حاکمه

دربي برکناری بنی صدارت ریاست جمهوری و تسلط حزب جمهوری اسلامی بر تمام دستگاه دولت، شکاف عمیقی که از مدت‌ها پیش در میان هیئت حاکمه بروز کرده بود و منجر به یک بحران در درون - هیئت حاکمه و تشدید تضادهای آن شده بود موقتاً "از میان رفت". این تضاد که در اساس معلول رشد مبارزه طبقاتی و انعکاس آن در میان بالایشیا و بحران اقتصادی و سیاسی موجود بود، نمی‌توانست بدون تغییر شرایط مادی و زمینه‌های عینی - بروزی آن برای مدتی طولانی هیئت حاکمه را از درگیریهای درونی خادنگان دهد. بنا بر این با توجه به مجموع شرایط عینی حاکم برجایه، بحران عمیق اقتصادی، بحران سیاسی و جدت تضادهای اجتماعی از همان آغاز روشن بود که تخفیف تضادهای امری موقتی و گذرا خواهد بود و دیری نخواهد پاید که دوباره این تضادها به شکل دیگر بروز خواهد کرد. درگیریهای درونی را تشدید خواهد نمود، و سرانجام بیک شکاف تازه در میان بالایشیا خواهد انجامید. رویدادهای یکی دو هفته گذشته که در سخنرانیها و موضع گیریهای خمینی - و مجلس منعکس شده است، نخستین تجلی بقیه در صفحه ۲

درخواست عفوبین المللی برای بازديد از ايران و واکنشهای وقیحانه و احمقانه رژیم

طی نطق شدیدالحنی باین سازمان حمله کرد و گفت: "بدا نیکه همه قدرتهای شیطانی، همه وابستگان به قدرتهای شیطانی مثل سازمان عفوبین المللی و دیگر سازمانها دست بدست هم دادند که این جمهوری را در اینجا خفه کنند". بدنبال آن موسوی تبریزی دادستان جنایتکار انقلاب ضمن حمله به عفوبین المللی گفت: "سازمان عفوبین المللی با اجازه ابرقدرتها کار میکنند و با اشاره آنها نیز سکوت اختیار میکنند... این سازمان بقیه در صفحه ۴

تقاضای سازمان عفوبین المللی از مهدوی کتبی نخست وزیر در فرستادن یک هیئت حقوقی بین المللی برای رسیدگی به نقض حقوق بشر در ایران که شامل اعدای بسیار (۱۸۰۰ نفر ظرف چهار ماه) و بررسی وضع محاکمات سیاسی و شرایط زندانها و رفتار با زندانیان می‌شود، رژیم ضد خلقی و جنایتکار جمهوری اسلامی را به واکنشهای وقیحانه و در عین حال احمقانه ای وادار کرد. ابتدا برای مدتی رژیم در مقابل این درخواست سکوت کرد، پس از آن خمینی

نیروهای مسلح و انقلاب (۲) نیروی هوایی

بطور کلی ارتش همواره ابزار اعمال دیکتاتوری طبقات حاکم بوده و هست. در شرایط کنونی، گرانی بیکاری، فقر و دولت‌های ارتجاعی همواره با توسل به بی‌خانی دامنگیر میلیونها هموطن بی‌بروکراسی نظامی، دیکتاتوری ارتجاعی برقرار میکنند. و خلق با ایجاد ارتش کردنیستمانه و به طریق مکتبی گشتار و بقیه در صفحه ۷

توهم نسبت به رژیم گندرونی پیش از پیش دروین نیروهای انقلابی در سطح جهان فرامیریزد

"دولت جدید همونی رجال مذهبی حزب جمهوری اسلامی را تثبیت می‌نماید" "یورش برای دستگیری و اعدام، صدها مبارز چپ را، رومی‌کند" بقیه در صفحه ۱۰

نوشته زیر ترجمه مقاله چاپ شده در الهدف شماره ۳۵ راجع به ایران که بیانگر تفسیر مواضع جبهه خلق برای آزادی فلسطین (F.L.P) می‌باشد. این مقاله حدود ۲ ماه پیش به چاپ رسیده است.

- در این شماره
- اخبار جنبش
- جنبش جهانی
- انحطاط فرهنگی
- پروتار و آزادیهای دمکراتیک

مرکز بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

تشدید تضادهای

بقیه از صفحه ۱

تشدید تضادهای اختلافات و بروز شکست تا زه در بلائیهاست و یخویی نشان میدهد که تا چه حد ارتباط لاینفکی میان بحران اقتصادی و سیاسی جامعه و اجتناب ناپذیری تضادهای درونی هیئت حاکمه وجود دارد.

واقعیت اینست که خواست اقتصاد و سیاست و سیاسی جامعه بجز در مرحله ای رسیده است که چنانچه هیئت حاکمه را بدین نتیجه رسانده است که بدون انجام یک سری رفرمها در جنب سرکوبیهای کنونی موجودیت رژیم بیش از پیش بخطر افتاده و زمینه سقوط آن شتابان فراهم خواهد شد. از این رو این جناح در همان حال که سرکوب و اختناق را بیگانه راه حلت بحران سیاسی موجود میدانند، انحسار برخی رفرمهای اقتصادی را ضروری تشخیص میدهد. اما جناحهای دیگری از هیئت حاکمه حتی در آن حد که ممکنست، انجسام این رفرمها کمترین خدشهای به جریتم "مقدس" سرمایه و مالکیت خصوصی وارد آورد، یا به بیان دیگر ضوابط اسلامی را نقض کند، با این رفرمها مخالفت میکنند. تضاد که بنا به شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه در شرایط کنونی تشدید شده است تجلی خود را در تضاد میان مجلس شورای نگهبان یافته است. شورای نگهبان با حق و توثیق که در امر تصویب قوانین داراست و نظریه میرسد از حمایت و پشتیبانی رهبران مذهبی با نفوذ نظیر گلپایگانی و شیرازی و امثالهم نیز برخوردار است عملاً در شرایط کنونی بصورت مانعی بر سر راه سیاستهای هیئت حاکمه بویژه سران حزب جمهوری اسلامی درآمده است. از این رو خمینی با درک شرایط و خیم کنونی و واگذاری اختیار بیشتر به مجلس، قدرت شورای نگهبان را تا حدودی محدود کرد. اما این اقدام خمینی

گرچه دست چنانچه ای از هیئت حاکمه بویژه حزب جمهوری اسلامی را در انحسار برخی رفرمها باز کرده است، اما در همان حال تضادهای درونی هیئت حاکمه را تشدید خواهد کرد و منجر به درگیریها و اختلافات تازه ای خواهد شد. بی جهت نیست که این تصمیم خمینی برخلاف بسیاری از تصمیمات گذشته او که مورد تأیید روحانیون طراز اول قرار می گرفتند، از جانب آنها مورد تأیید و حمایت قرار نگرفت. اما تجلی تضادهای درونی هیئت حاکمه این تصمیم خمینی برخلاف تعداد، بلکه در عرصه های دیگر نیز خود را نشان داد. نطق اخیر خمینی در ملاقات با فرمانده سپاه پاسداران و نماینده او در سپاه پسرده از اختلافات و تضادهای تازه ای برداشت و چنین نظر میسرده که در درون سپاه و شورای مرکزی آن اختلافات و تضادهای تا بدان حد گسترش یافته است که او به طرفین توصیه می کند که "با پدستی شورا اعضا" شورا در کمال تقاضا باشد و از اختلافات بپرهیزند و لاشکست میخورند، و در بخش دیگری از همین سخنرانی خود میگوید "با پدستی شوبدین ائمه جمعه و سپاه پاسداران تقاضا باشد. اختلافات بین اما جمعه و سپاه امری عادی نیست، بلکه دستوری در کار است و عده ای این کار را می کنند تا هم سپاه و هم روحانیت را تضعیف نمایند و با روش خاصی وارد شده اند. باید اشخاص را مورد کنیند تا اگر در شهرهای اختلافی بین روحانیت و سپاه است بر طرف گردد. با توجه به این مسئله که اساساً حزب جمهوری اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی نیروهای ذی نفوذ در سپاه و شورای مرکزی آن می باشند و با توجه به اینکه تقریباً تمامی ائمه جمعه تحت نفوذ و وابسته به حزب جمهوری اسلامی اند خمینی در این نطق خود به اختلافات حزب جمهوری و مجاهدین انقلاب اسلامی اشاره میکند. و بالاخره تازه ترین مسئله ای که

به اختلافات و تضادهای هیئت حاکمه و در همان حال موقعیت متزلزل حزب جمهوری اسلامی مربوط میشود، در صلاحیت نخست وزیر و ولایتی بعنوان کاندیدای حزب جمهوری اسلامی است که تنها ۷۴ نفر از نمایندگان مجلس به او رای مثبت دادند. با استعفا یکنی از نخست وزیر که خود بنیان عربان تضادهای هیئت حاکمه است، حزب جمهوری اسلامی کوشید که یک فرد مورد اعتماد حزب را به نخست وزیر بگمارد، اما در صلاحیت او از سوی مجلس در همان حال که بسیار اختلافات حزب با جناحهای دیگر هیئت حاکمه است، موقعیت متزلزل آن را بویژه در مجلس متعکس میسازد و نشان میدهد که حزب بدون برخورداری از حمایت کامل جناحهای دیگر و در نظر گرفتن منافع و خواسته های آنها قادر نیست سیاستهای خود را پیش برد.

نتیجه ای که از درگیریها و تضادهای اخیر در میان بلائیه است می شود، اینست که عمق بحران اقتصادی و سیاسی موجود چنان است که به هیئت حاکمه اجازه نخواهد داد برای مدتی طولانی فراتر از درگیریها و تضادهای شدید بحکومت خود ادامه دهد. گسترش بحران بینحکومتی و اجتناب ناپذیری تضادهای درونی هیئت حاکمه را تشدید خواهد کرد و بمرور صفت بندی های مشخص تری را حول اختلافات موجود پدید خواهد آورد و این امر به یک شکاف و بحران تازه در درون هیئت حاکمه خواهد انجامید. اگر طی چند ماه گذشته وحدت و یکپارچگی نسبی هیئت حاکمه با آنها امکان داده بود تا توسل به سرکوب مانع تجلی آشکار ناراضای عمومی مردم گردند، تشدید تضادهای و بروز شکافهای تازه در هیئت حاکمه که خود تجلی تضادهای بحران عمومی جامعه است، زمینه بسیار مناسبی برای رشد و گسترش مبارزات توده ها و فوران این ناراضاییتی از درون این شکاف خواهد شد.

درخواست

بقیه از صفحه ۴

اما با همه اینها در گفتار همه زعمای قوم از خمینی گرفته تا موسوی تبریزی - دادستان انقلاب و بیانیه وزارت امور خارجه به وضوح یک عقب نشینی دیده میشود. کاملاً مشهود است که اینان در موضع دفاعی قرار گرفته و سعی میکنند که بنحوی خود را از مخمصه خلاص کنند. این امر میرساند که "اولاً" بمصدق الخائن - خائف از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی در جنا یا تش دست فاشیستی ترین رژیمها نظیر آفریقای جنوبی و رژیم صهیونیستی اسرائیل را از پشت بسته است لذا در پیشگاه خلق قهرمانان ایران و افکسار عمومی جهان در موضع ضعف قرار دارد و اینهمه جنایت و اعدا حد اقل هزار و هشتاد نفر طرف چپ را زکشتن کودکان خردسال و اعدای بی محاکمه (یکسور) پس از دستگیری) آنچنان در تنگنا قرار گرفته که قدرت دفاعی سلب گردیده است. ثانیاً "افشاگریهای دانشجویان و ایرانیان مترقی در خارج از کشور و فشار افکار عمومی ترقی خواه جهان آنچنان است که جانشی برای رجز خوانی رژیم باقی نگذاشته است بنا بر این می بینیم علیرغم سروصداها شیکه برآمده انداخته اند همنانندگ ترسو" از درون

پارس میکنند. "میخواهند طوری وضع خود را توجیه کنند. و در همین رابطه است که بلافاصله پس از درخواست عفوبینا لمللی موسوی تبریزی که تا دیروز سمیه اش پسر بود و میگفت ما احتیاج به محاکمه کردن افراد دستگیر شده نداریم تا جا زمین شود اعلام کند: "هر متهم را وقتی دستگیر میکنند مستقیماً" ابتدا دسرا میبرند و با زجوشی اولیه شروع میشوند و طبق قانون تا ۲۴ ساعت تفهیم آنها میشود و آنها تکی کسه کمیته و سپاه دستگیر میکنند بدون اجازت بیشتر از ۲۴ ساعت نمیتوانند نگهدارند و تحویل دادسرا میدهند. البته با زجوشی اولیه ممکن است در آنجا انجام گیرد و بعد که رسیدند دسرا تفهیم آنها میشود و بعد مراحل با زجوشی شروع میشود و بعد از تکمیل پرونده تحویل دادگاه میشود، و گاهی در این مسیر چند روز یا چند ماه با تحقیقات طول می کشد و بعد تحویل دادگاه میشود و دادگاه محاکمه میکند. این سخنان (که البته در صحت آن باید شک کرد) کوچکترین تشابهی با سخنان دو هفته قبل این شخص در رده میگفت ما کما نیرا که در نظرات دستگیر کنیم در جا اعدام میکنیم و احتیاجی به محاکمه نداریم و حتی زخمی ها را هم میکشیم! آیا اصلاً صحبتی از قانون بود حال چطور شد که ناگهان گریه عابد و

زاهد و مسلمان شد؟! این سخنان و اعلامیه وزارت امور خارجه میرساند که رژیم در موضع دفاعی قرار گرفته است. این امر همچنین نشان میدهد که علیرغم تظاهرات با اینکه با فک عمومی جهان توجهی نمیکند بر عکس نسبت به فشارهای جهانی حساس است بخصوص که با توجه به وضع بحرانی داخلی و تضادهای درونی اش که روز بروز تشدید میشود این حساسیت مضاعف گردیده است. همه اینها حاکی از اینست که وظیفه افشاگران در رابطه با اعداها و زندانیان و شرایط زندان و سلب حقوق انسانی در داخل و خارج کشور اهمیت دوچندان پیدا کرده است. در درون حرکتها خانواده شهدا و زندانیان سیاسی دارای ارزش و اهمیت بسیار زیادی است و در خارج از کشور نقش دانشجویان و ایرانیان مترقی و انقلابی در جلب و بسیج نیروهای مترقی جهان و در اعمال فشار به نمایندگان هیئت رژیم در خارج و آگاه کردن افکار عمومی جهان بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است. با بدین فشارها و افشاگریها افزون شدن رژیم را وادار کنیم درهای زندانها را بروی ناظرین بین المللی بکشاید، اعداها را متوقف کند و شعرا زندانی سیاسی آزاد بیدگردد، با نیروی پرتوان خلق متحقق گردد.

بررسی جنبش کارگری در شرایط فعلی: مروری بر حرکت اخیر کارکنان صنعت نفت:

جنبش کارگری



موفقیت روبرو شود هر چند که این پایان رایایان مبارزه قلمداد نمی‌کنیم اما یک ویژگی بارز در حرکات دوساله ونیمه صنعت نفت این بود که در تمام موارد حرکات خصوصاً زمانی که گسترده، سراسری و عمومی بودند دست آورده‌های نیز به همراه داشت، حرکات از مراحل آرام و ابتدائی بتدریج شروع می‌شدند و اینها با اقدام مستقیم کارکنان به نتیجه می‌رسید، بهترین مثالها و نمونه‌ها، تصمیم‌مقابله با لغو تعطیل ۵ شنبه‌ها از سوی معین فریودکه شورای انقلاب نیز نمی‌توانست در آن - خطی وارد آورد، حتی دستگیری چند نفر از کارکنان آواز و تهدیدات آن زمان وزیر نفت کارکنان این صنعت را در - یا فشاری برخاست خود مصرتسا خست همینطور اقدامات متعددی که تاکنون برای تغییر شیفت در صنعت نفت صورت گرفته بود و در مقابل آزاده کارکنان درهم شکسته و بی نتیجه مانده بود اما در این اواخر که حرکت کارکنان پالایشگاه شیراز (اعتصاب غذا) با انفجار دفتر حزب مقارن شد، تا شیراز این انفجار بر آن حرکت رها شدن حرکت در نتیجه راه و بسودن اخذ نتیجه بود و از آن پس حرکات درون صنعت نفت در سایه قرار گرفت که تا امروز همچنان در آن راه طی طریق میکنند اما آنچه که می‌باید مورد توجه قرار گیرد این است که اقدامات وزیر مکتبی نفت همچنان ادامه دارد، بدنبال کسری در صد حق کارگاری، کسری حق اولاد، مسکن و مالیات‌های سنگین از حقوق ماها نسه کارکنان جوا اعتراضی در این صنعت همچنان با برجا مانده و امکان بروز - اقدامات عملی در آینده منتفی نخواهد بود، بریست چنین زمینه‌نا آرا می‌در این صنعت است که با بیستی عنا صربشرو مترقی با توجه به جمع بندی‌های بالادرجه رفیع نواقص حرکت اخیر بکوشند تا در حرکات آتی توانا تر و موفق تر باشند، آنها موظفند اولاً "یده بحث روی علل کار موفق بودن حرکت اخیر را در میان کارکنان گسترش داده و آنها را به تفکر وادارند، ثانیاً جهت برقراری ارتباطات سراسری و تماس‌های قبلی با بخش‌های دیگر اقدام نمایند (ا مکاناتی که در خود صنعت نفت وجود دارد و تجربه مبارزاتی غنی کارکنان صنعت نفت در این مورد تسهیلات زیادی برای این امر فراهم کرده است)

بقیه در صفحه ۱۶

بخشنا مهربانیت نکرده بودند و جلوگیری از ورود کسانیکه با یستی در نوبت‌های بعدی سرکار حاضر شوند، حرکت خامسه یافت.

در اصفهان با فشار عنا مرسر کو بگر تصور آنها در اطراف پالایشگاه، اخراج تعدادی از کارکنان و تهدید دیگران به دستگیری، بخش نامه‌های تحمیلی به اجرا درآمد.

در شیراز از روز و حدود ۱۲ نفر کارکنانی که پنجشنبه را تعطیل کرده بودند جلوگیری شد سپس تعدادی با ارا که مدارک پزشکی بدلیل بیماری برای نیامدن سرکار بازگشتند (حدود ۲۰ نفر) و بقیه نیز با سپردن تعهد در قبال رعایت بخش نامه و در غیر آن صورت اخراج به سرکار رخود بازگشتند، تعدادی نیز در این رابطه دستگیر شدند.

در سندر اما مخمینی حدود ۲۲ نفر از کارکنان شیمیائی رازی در رابطه با تصمیم به تعطیل نمودن پنجشنبه‌ها دستگیر شدند. و بقیه علیرغم تصمیم شورا پنجشنبه‌ها را به کار مشغول شدند.

در بخش نیز اقدامات در حد نوشتن نامه و ملاقات نمایندگان با وزیر باقی ماند. در تبریز بعقلت جو بیسی شدیدی که پس از تره رمذنی اما جمعه تیریز بوجود آمده بود اصولاً حرکتی صورت نگرفت و اعتراضات در حد صحبت‌های اولیه میان کارکنان باقی ماند.

مروری کوتاه بر این حرکات نشان می‌دهد که:

- ۱- حرکات اخیر در بین گستردگی دامنه آن از عقب و پیشگیری لازم برخوردار نبود.
- ۲- مقابله با کارکنان تا چیز بود و بسا اقدامات اولیه رژیم پایان یافت.
- ۳- توده‌های وسیع کارکنان در اقدامات عملی بحرکت در نیامدند (فقط تشییع و ساعات نوبت کاری در بخش‌های عملیات پالایش مقابله و یکپارچه‌ای را عملاً - برانگیخت ولی در مورد تعطیل پنجشنبه‌ها و کسری در صد حق کارگاری چنین نشد)
- ۴- تا آخر نیز یک شعرا واحد نتوانست محور حرکات پراکنده کارکنان باشد و در هر بخش بغیرا خوراج خود روی یک مورد خاص تا کید میشد (نوبتکاران پالایشگاهها روی تغییر ساعات نوبت کاری و در درجه دوم روی تعطیل پنجشنبه‌ها، شیمیائی رازی روی تعطیل ۵ شنبه‌ها و سندیکی‌های بخش روی ده در صد حق کارگاری تا کید داشتند) نتیجتاً "میتوان گفت که:

۱- نداشتن شکل مناسب برای پیش برد مبارزه (قطع ارتباطات سراسری، وقفه در تشکیل اجلاس سراسری شورا‌های صنعت نفت، تضعیف شدن شوراها پس از یورش ۸- تیر ۱۳۵۵)

۲- نداشتن هماهنگی و شعرا و لجه در بخش‌ها و مناطق مختلف.

۳- شرایط سیاسی حاکم بر جامعه، افست وقت حاکم بر کل جنبش و سیاست اعراب و ترور هیئت حاکمه.

۴- اعمال برخی تاکتیکهای انحرافی از جانب برخی گروهها و سیاستهای فرصت طلبانه و سازشکارانه برخی دیگر (ترور رمذنی بویژه مانع حرکت پالایشگاه تبریز شد و سازش سوسیال فرمیست‌ها با رژیم، حرکت را در تهران و شیراز با دشواری روبرو ساخت)

مجموعاً " باعث شد که حرکت اخیر با عدم

بدنبال انتصاب عرضی به وزارت - نفت، پیش بینی مشخصه‌ها و با عملکردهای خود، موجی از نارضایتی را در بین کارکنان صنعت نفت دا من خواهد زد. و با اخصا حرکاتی را در میان کارکنان این صنعت بوجود خواهد آورد. این انتظار دیری نیاشد، بخش نامه‌های عرضی مبنی بر لغو تعطیل پنجشنبه‌ها، برقراری - نوبت کاری ۸ ساعته در پالایشگاهها و قطع ده در صد حق کارگاری، حرکات اعتراضی کارکنان این صنعت را بدنبال دادند.

در سراسر ایران و در تمام بخش‌های صنعت نفت که بنوعی با این اقدامات وزیر جدید روبرو بودند، حرکات اعتراضی شکل گرفت. شکل عمده مقابله با تصمیمات وزیر جدیدی توجیهی به بخشنامه‌ها و اقدام مستقیم خود کارکنان بود. زیرا تجربه دوساله ونیمه اخیر به آنها نشان داده بود که این راه شمر بخش تر و موثرتر خواهد بود. بدین ترتیب در آن بخش‌هایی که حرکت شکل عملی پیدا کرد، در وجه غالب خود چنین بود. در شیراز نوبت کارکنان پالایشگاه بخش تا مهربانیت نگردند و به کار خود به روال سابق ادامه دادند، اقداماتی نیز جهت برقراری تعطیل پنجشنبه‌ها علیرغم لغو آن صورت گرفت. تعدادی از کارکنان پنجشنبه‌ها سرکار حاضر نمی‌شدند و تعطیلی را اجرا می‌کردند، در اصفهان نیز وضع به همین روال بود.

در تهران نوبت کاری بصورت ۸ ساعت و ۱۶ ساعت اجرا می‌شد و عکس العمل کارکنان نسبت به تعطیل پنجشنبه‌ها در مجموع - تعطیل آن از سوی خود کارکنان بود اما عملاً برای تعطیل کردن این روز اقدام همه جانبه‌ای صورت نگرفت، بگونه‌ایکه میتوان در مورد تعطیل پنجشنبه‌ها از نظر شرکت فعال در این حرکت بترتیب پالایشگاههای شیراز، اصفهان، و تهران رانامه برد، که در این آخری اقدامات عملی محدودتری صورت گرفت. (اساساً

پس از شروع جنگ و از بین رفتن پالایشگاه آبادان، همواره پالایشگاه شیراز از جزو مبارزاتی بالاتری نسبت به سایر جاها برخوردار بوده است) علاوه بر این سندیکی مستقل بخش تهران، زنجان، اصفهان، کرمانشاه، اراک و... خطوط لوله و مخازن تری، شیمیائی رازی (بندرامام خمینی) و... نیز نسبت به اقدامات اخیر موضع گرفته و ضمن محکوم نمودن این اعمال خواهان عدم اجرای بخش نامه‌ها شدند (اخبار این مبارزات در روزنامه کار، در همان زمان درج گردید)

اما دیری نیاشد که این مبارزات بدون گرفتن نتیجه پایان یافت. و - حاکمیت با تهدید و دستگیری تعدادی از کارکنان آنها را به عقب نشینی واداشته در تهران بدنبال دستگیری چهار نفر از کارکنان پالایشگاه که نوبت کاری را طبق

درخواست سازمان عقوبین المللی

بقیه از صفحه ۱

چرا جنابیات منافقین را محکوم نکند و در حادثه یثعرب در دفتر حزب جمهوری اسلامی مطالبی نگفت... بدنبال آن وزارت امور خارجه رسماً در مقابل تقاضای سازمان عقوبین المللی موضع گیری کرد. و برای باز دیدن ما بندگان افسوسناک سازمان از زندانهای ایران شرط و شروطی قائل شد. در همین زمان روزنامه های دولتی وابسته به حزب خداگشتر صفحات خود را به "افشاگری علیه سازمان عقوبین - المللی" اختصاص دادند و راه دیوتلوویزیون هم بر نامه های متعددی علیه این سازمان پخش کردند.

واقفیت این است که اعدا مها و دستگیریهایی اخیر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که در تاریخ معاصر جهان بی سابقه است آنچنان افکار عمومی مردم آزاد جهان را برانگیخته و فتنه و اعتراضات دانشجویان انقلابی و مترقی ایران در خارج از کشور که شامل تظاهرات اعتصاب غذاها، اشغال سفارتخانه های ایران و... آنچنان بوده که بالاخره پس از مدتها سازمان عقوبین المللی را مجبور کرد که درقبال اینهمه جنایت و ددمنشی مهرسکوت از لب برداشته و در این رابطه اقدام کرده و پیشنها داخیرش را به نخست وزیر ایران بدهد. در واقع آن - آنقدر شور بود که خان هم فهمید و سرانجام تحت فشار افکار عمومی جهان و وسعت سیاست رژیم خویشزیمین، سازمان عقوبین المللی دست با اقدام مزد اما مجبور جنایتکار خمینی که هم در ارتکاب جنایت و هم در وفات روی رژیم شاه را اسفند کرده است از همین پیشنها دعغو بین المللی آنچنان بر آشفت که گوئی این سازمان با این اقدامش بزرگترین جنایت تاریخ را مرتکب شده است! ما بدون اینکه بخواهیم از سازمان عغسو بین الملل دفاع کنیم (زیرا معتقدیم این سازمان مؤسسه ایست که بعنوان درجه اطمینان برای جلوگیری از انفجار ردیگ سرملتها بوجود آمده و عمل میکند و پس از آنکه نقض حقوق بشر در کشوری به سرحدنها یث رسید و بیساری از نیروهای مترقی جهان فریادشان با سمان بلند شد این سازمان آخرین جریانی است که با بیامیان منگدارد) اما از آنجا شیکه اکنون رژیم جمهوری اسلامی در توجیه جنایاتش این سازمان را مورد حمله قرار داده است لذا به شکافتن سیاست مزورانه رژیم درقبال سازمان عقوبین المللی می پردازیم:

بسیار جالب توجه است که سردمداران معروف رژیم جمهوری اسلامی چه در گذشته که هنوز بر ریگ قدرت تکیه نکرده بودند و چه بعد از بقدرت خریدن برخورداران نسبت به سازمان عقوبین المللی مزورانه بوده است. در گذشته، هنگامیکه زعمای قوم فطلی مورد آزار و اذیت رژیم شاه

قرار می گرفتند فریاد "ننه من غریبم" آنها با سمان میرفت، تمام سازمانهای دفاع از حقوق بشر و از جمله عقوبین المللی را به کمک می طلبیدند. از سال ۴۲ تا ۵۷ نامه های بسیاری در نشریات آپوزیسیون آتموقع (چه در داخل و چه در خارج از کشور) منتشر شده است که این افراد را "استغنا" از همین سازمانهایی که امروز آنها را در سلک شیاطین میدانند طلب کمک کرده اند! از آیت الله خمینی گرفته که از زحف نامه پراکنی میکرد تا حزب ملل اسلامی که سردمداران موسوی بجنوردی، سرحدی زاده و... بودند از زندان برای این سازمان - ها عریضه فرستادند. عریضه های شکوایه و "بیداد برسید" فراوانی با مضای هاشمی رفسنجانی، آیت الله منتظری، ربانی شیرازی عسکرا ولادی و... (که اسناد آنها موجود است) خطاب به همین سازمانهای بیین - المللی دفاع از حقوق بشر نگاشته شد، و از آنها خواسته شده بود که برای جلوگیری از جنایات رژیم شاه دعوات کنند و وقتی هم این سازمانها هیاتهایی به زندانها میفرستادند اینان از این هیئت - ها استقبال کرده و بخاطر این اقدامشان "قدر دانی" هم میکردند. حال آنکه این سازمانها که در آتموقع میتوانسته اند مورد مراجعه قرار گیرند و داخلشان حشق بود خد متکذکار شیطان نبودند و سفرهایشان به ایرا رویا ز دیدشان از زندانها عملی مثبت و درخور تشویق بود ولی حالا بین اقدامات در خدمت شیطان است؟! باید پرسید رژیم یک با مودوهارا چگونه توجیه میکند؟! اما نکته جالب دیگر اینست که تا شند

استادیه سازمان عقوبین المللی و تمسک به اسناد دوما را که آن تنها به هنگام رژیم شاه منحصر نمیشود، سردمداران رژیم دوستگاه تبلیغاتی آنان، روزنامه های حزبی و دولتی و را دیوتلوویزیون تحت کنترل دولت همین حالا هم وقتتی این سازمان نسبت بدولت عراق و سایر دولتهائی که مورد غضب دولت جمهوری - اسلامی هستند موضع گیری میکنند و مثلاً "از جنایات رژیم صدام نسبت به مردم و آزادیخواهان این کشور اخباری منتشر میکنند و اما میدهند و رفتار ضد بشری رژیم صدام را محکوم میکنند، این گزارشات را با آداب و تباب هر چه تمام تر از قسول "سازمان عقوبین المللی" منتشر میسود و با آن اسناد میگردند و آتموقع "منشور مسواب نمی دهند که بطوریه گفتار شیاطین استناد میکنند؟! اما وقتتی همین سازمان در مورد ایران کوچکترین انتقادی میکند و تقاضای ارسال بها یثنده آنها برای رسیدگی به وضع زندانها میکند، عوامل شیاطین هستند! با زهم یک با مودوهارا دیگر!

حال سئوال میشود چه چیز تغییر کرده است؟! یا عقوبین المللی تغییر کرده و ظرف دو سال به شیطان تبدیل شده یا سردمداران جمهوری اسلامی تغییر داده اند! تا آنجا شیکه همه میدانند سازمان عقوبین المللی تغییر ماهوی نکرده و هر چه بوده همان هست، اما آنچه تغییر کرده نظر سردمداران بقدرت خرید

جمهوری اسلامی، از خمینی گرفته تا دیگران است که نمان را بنسرخ روز میخورند. آنوقت که صرف میگرد از آزادی زنان، آزادی همه مسلکها و ادیان و احزاب و گروهها و از بسط حقوق بشری و از بهبود زندگی زحمتکشان دم میزدند و حالا که بقدرت خریدها ندهمه حرفها به فرا موشی سپرده شده است!

در رابطه با درخواست سازمان عقوبین المللی وزارت خارجه در بیانیه یکیه ما در کرده خواسته است با صلاح دیپلما تیک برخورد نکند. رژیم که مدتی است کوشش میکند خود را از حالت انزوا در عرصه جهانی خلاص کند در این مورد با مخصه جدیدی روبرو شده است، از آنجا شیکه بی صغری و کسری جیدن وجواب منفی دادن با سیاست نیست جدیدشان خوانائی ندارد لذا آمده است "پلتیک زده و بجای گفتن نه بطور صریح شرط و شروطی برای آمدن هیئت نمایندگان عقوبین المللی قائل شده است اما این شرط آنقدر وقیحانه و در عین حال حقانیه است که بیش از پیش دست آنها را ور کرده و رسوایشان میسازد، مثلاً یکی از شروط وزارت خارجه اینست:

"۴- سازمان (عقوبین المللی) اعلام نماید آیا گردانندگان این سازمان و افراد اعزامی آن بحقوق اسلامی آشنائی دارند و آیا به مکاتیمهای بیچیده و طولانی تربیت قاضی شرع در اسلام و دادگاههای اسلامی و قوف دارند یا نه" در اینجا بحث بر سر آشنائی داشتن به حقوق اسلامی و مکاتیمهای بیچیده تربیت قاضی شرع در میان نیست، آنچه برای سازمانی نظیر عقوبین المللی مهم است (بطوریکه از اسانها و عملکردش - بیداست) بررسی عملکرد دادگاهها و بازپرسان و قضات این دادگاهها در مقابل متهمین سیاسی است. بحث بر سر قضاوت در این زمینه است که بقدر حقوق انسانی در مورد متهمین رعایت بی نقض میشود؟ حال این نقض حقوق بشری طبق قانون همورائی میشود یا قانون اسلام یا قانون مسیحیت یا بودائی و... مطرح نیست. و جای تعجب است که چنین مسئله ای از طرف وزارت امور خارجه کشوری عنوان میشود که نهاد کشورش اعلامیه نیم بیند جهانی حقوق بشر را امضاء کرده است، و تا آنجا که اطلاع داریم هنوز امضایش را پس نگرفته است!

و با وزارت امور خارجه شرط مسخره و وقیحانه دیگری را مطرح کرده است به این شکل که "سازمان (عقوبین المللی) باید قبل از ورود به ایران عملیات جنایتکارانه مجاهدین خلق را که باعث کشتارهای وسیع و خیابانی شده و... شکل واضح محکوم کند" ذکر چنین شرطی باز نشانه هدنده است که وزارت خارجه یا از اهداف و وظایف و عملکردهای عقوبین المللی در رسیدگی به نقض حقوق بشر از طرف دولتها نسبت با افراد خبرنگار رده (این امر متصور نیست) یا عملاً خودش را به نفهمی زده است. تاکنون در مورد کدام کشور عقوبین المللی نسبت به یک سازمان سیاسی جنبه تأییدی یا تکذیبی گرفته است که ایران دومیش باشد؟! بقیه در صفحه ۲

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران



زنده یاد انقلاب پرو (بخش سوم)

در دومین بخش این نوشته، بسا دنبال کردن رویدادهای تاریخی فاصله ۶۷- ۱۹۵۰، به بررسی افت و خیزهایی که مبارزه طبقاتی در این برهه از سگترانه بردا ختمیم و به شکل گرفتن چهار جنبه جنگ چریکی در ۱۹۶۵، به بحث نقطه عطفی در تاریخ معاصر مبارزه طبقاتی و نیز جنبش کمونیستی پرو، اشاره کردیم. ما در بخش دوم، دلایل شکست این رویداد را عمدتاً "نه در سرکوب سیمانها میریالیسم و ضد انقلاب، که در ضعف های سیاسی - تشکیلاتی جنبش نوین کمونیستی پرو، جستجو کردیم. اینکه این جنبش در آن مقطع نتوانست پاسخی قاطع به مسائل شوریک و استراتژیک انقلاب پرو بدهد و با ارائه برنامه عملی کارگری، چشم انداز انقلاب پرولتری را هرچه روشنتر در برابر کارگران زندهگانان بگستراند، در واقع جنبش نوین کمونیستی پرو که با پیش گرفتن مبارزه مسلحانه در ۱۹۶۵ قصد آن داشت تا از دهه سال رژیم "حاکم پسر جنبش کارگری و کمونیستی ببرد، و"

"مبارزه برای قدرت دولتی را به ما حلقه مرکزی، مدنظر قرار دهد، خود از - بیماری دیگری رنج میبرد، و آن چیزی جز سترسیم نبود. در آن زمان هر چند که این بیماری چنان بنا پذیر می نمود که تنها جنبش چپ انقلابی پرو، که کثیری از جنبشهای رها شده بخش - کارگری را در سرانجام این بخود مبتلا کرده بود، اما برای دورتاریخ، آن زمان که زنگ شکست جنبشی را به صدا در می آورد، - اجتناب بنا پذیر بودن یا اجتناب پذیر بودن خطاها، یا کاستی های جنبشی را به شکست گشایند، دیگر کمتر مطرح است. این درست که با دیدن زده سال رژیمیم حاکم بر جنبش کمونیستی برید، و این درست که با دیدن منشویسم را در ریط با کسب قدرت احیا کرد، اما نه با عملگرایی عمل گرا، با روی بیماری رژیمیم در جنبش کارگری نیست. ما سترسیم این گونه می پنداریم. برش از رژیمیم تنها هنگامی انجام شدنی است که پیشتر و پرولتاریا خود به ما رکیسم - لنینیسم مسلحان شد، و مرزهای مشخص طبقاتی را با پذیرش دیدگاههای "تمام خلقی" در هم نریزد و پیدا نند که رسالت پرولتاریا را در انجام مگرگونی های اجتماعی، تنها پرولتاریا میتواند نندردوش گیرد و بس. ما سترسیم این رانمی فهمد، و هم از این رو، در پهنه مبارزه طبقاتی، چه در مقیاس ملی و چه در مقیاس جهانی، بین دو صندلی می نشیند.

دولتی که "فرماندو بلونده تری" در آن بود و با وعده و وعده تمام اصلاحات عمیق اجتماعی و نیز حمایت گسترده ارتش، توانسته بود در سال ۱۹۶۲

قدرت را در دست گیرد، در سال ۱۹۶۷ چنان توان ترا ز همیشه می نمود. در طول پنج سال حاکمیت "حزب کنش پردهی زحمتکشان پرو، هیچیک از انگه های اصلاحاتی را تجربه نکردند. افزون بر این کشور پیش از پیش از بحران اقتصادی فراینده ای رنج میبرد، بحرانهای گسسته بیشتری ضرب زانه بر بخش الیگارشی سنتی ما در آن، که بر بخش صنعتی پرو وارد شده بود.

گسترش صنعت، محتاج سرمایه بود و همینطور واردات کالاهای مبای، اما شکل تولیدنا کافی داخلی، بخش عمده ای را از واردات پرو به کالاهای غذایی اختصاص میداد. این امر، در ترکیب با افت حجم صادرات تولیدات کشاورزی - سنتی (کتان و شکر)، موازنهای منفی در تجارت پیدا آورد. با سخن برونده به این بحران، خود بحران زای بود. او ارزش پول واحد پول پرو را کاهش داد. نتیجه سه بلا واسطه آنجا که این سیاست، افزایش بهای تولیدات صنعتی بود، و به نتیجه کاهش صادرات تولیدات صنعتی، و نیز کاهش قدرت خرید برای زحمتکشان پوهی اما از سوی دیگر، برای ما در کنگدگان سنتی تولیدات کشاورزی - کانی، - کاهش ارزش پول "زسوی دولت بلونده" کامی بود در راستای تحکیم منافعشان. چرا که اینان "سول" بیشتری در برابر هردلاریافت میگردیدند.

بحران اقتصادی که اینگونه بر پرو وارد می میگستراند، فروپاشی رژیم "بلونده" را شتاب بخشید. روزنامه ها به افشای گری فساد گسترده بر حکومت مسمی پرداختند، و رئیس جمهور "بلونده" که در امر ملی کردن شرکت بین المللی - نفت (I.P.C)، از خود نشانی داد، به مسئله کاریکار توری در صحنه سیاسی پرو بدل شد.

شش روز پس از سرنگونی دولت "بلونده"، که با کودتای نظامی برهبری ژنرال "خوان ولانگوال" وارد صورت گرفت. خنثای نظامی با ملی کردن ۲۰۸ میلیون دلار دارایی شرکت بین المللی نفت (I.P.C)، اولین گام را در راستای حاکمیتی برداشت، که با ویژگیهای خود، در تاریخ پرو، و از آن فراگیرتر، در تاریخ مبارزات طبقاتی در آمریکای لاتین، پدیده ای نا در بود. بنا بر رژیم.

ملی کردن جنبش سترسیم را نشی "شرکت بین المللی نفت" (I.P.C) را تنها با دیدن به نخستین گام در جنبش پستی میلیونها نفر از زحمتکشان پرو و شش دانست، که نظامیان برای انجام اصلاحات ساختاری خویش شایدها "بنا" نیا زداشتند. عمده ترین بخش این اصلاحات، برنامهای اصلاحات ارضی بود. اینها یکی از عمده ترین ۱۹۶۹ تا زسود و بر طبق آن، خونتای نظامی بخش عظیمی از اراضی مالکان بزرگ را

مصادره کرد، و از پول برداشت شده بابت این مصادره زمین، به ما به پایهای اقتصادی بهره گرفت که هدف گسترش صنعتی شدن پرو را در بر داشت. در مقدمه ای که بر قانون اصلاحات ارضی آمده بود، اهداف این اصلاحات بروشنی بیان شده بود: "اصلاحات ارضی با پرداخت مازمینه را برای ایجاد بازاری گسترده فراهم آورد، و مابقی سرمایه ای ضروری را برای صنعتی شدن سریع کشور، پیدا آورد. به ما رتی انجام این اصلاحات به معنای دوباره توزیع الیگارشی زمیندار، در بین کثا و روزانی بود که در کشور پرا تپو - های سرمایه داری سا زمان داده شده بودند و قرار بر بردن منافع آن افزایش تولید غذایی با به باشد. تا ژوئن ۱۹۷۶، با اجرای برنامه اصلاحات ارضی، ۴۷٪ زمینهای قابل کشت کشور، مصادره و در بین کشاورزان تقسیم شد.

همه چیز گویا هم اکنون پیش میرفت که انتظارش بود. افزون بر اجرای برنامه اصلاحات ارضی، خونتای نظامی، تمام تلاش خویش را برای رگرفت، تا با تقلیل مالیات برای صنایع سنگین به ما شایع حرکت اقتصادی، این بخش از صنعت را گسترش دهد. نظامیانکی تحت کنترل درآمد و صنعت ما هیچگیری ملی اعلام شد. دولت کنترل خویش را بر عمده ترین زمینهای صادرات ملی گستراند، و در این زمینه دوشرکت معدن آمریکایی، یعنی موسسه "سرود و پلاسکو" و "فالکونا" را ملی اعلام کرد. دامنه ملی کردن ما پرسودترین واحدها یعنی راه آهن سرتاسری پرو و خطوط هوایی را نیز در بر گرفت. با خرید تعداد زیادی از موسسات تولیدی و تجاری که بدلائل گوناگون و اغلب به خاطر ورشکستگی شان، قاربه ادا مفعالیت نبودند، دولت سهم خود را در بخش مدرن از ۱۱ درصدی که پیش از اجرای برنامه اصلاحات بود به ۲۶ درصد و ایل دهه ۱۹۷۰ افزایش داد.

خونتای نظامی با تدوین رشته ای از قوانین که بر اساس آنها به کارگران اجازت داده میشود تا با مشارکت جزئی در سرمایه واحدها، تولیدی گویا بنوعی در کنترل کارخانهها شرکت داشته باشند، عقلانی کردن نظام مالیات کشور، مدرنیزه کردن بازاریابی لیما در استانی که سرمایه های کوچک نیز در آن بتوانند نقش داشته باشند، کنترل را دیو، - تلویزیون، و روزنامه ها، تلاش کرد که جزیره شیا تی را در قلب آمریکای لاتین ملت به از مبارزه طبقاتی، به ما فریستد. در زمینه سیاست خارجی، پرو نخستین کشور آمریکای لاتین بود که با برسمیت شناختن کوبا، عملاً "تحریم اقتصادی" را که از سوی آمریکا لیسم با نکی و متحدان - بقیه در صفحه ۶

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رها تبخش جهان

زنده باد انقلاب پرو

بقیه از صفحه ۵

فراهی اش برکوبا تحمیل شده بود ، شکست نظریه "دنیا ی سومی" و دفاع پر سروصدای آن ، و رد زبان تمامی دولتیان او نیفورم پوش شده بود . اینان در بوق و کرنا می دمیدند که پروزیرا کمیته شان سر آن دارد تا پرچم "دنیا ی سوم" را بر فراز آمریکای لاتین برافرازد و راهی جدا از مسکو و واشنگتن را بپیماید .

خلاصه اینکه پس از غسل ، خونتای - نظمی پرور برهبری ژنرال "خسوان" - و لاسکوال وارد و "توانست با اجرای - سلسله ای از اصلاحات اجتماعی ، وظایفی را که انقلاب مکزیکی در طول سی سال فرا روی خود داشت ، بردوش کشد ، تنها نهایی که در طول این غسل فقدانش برای خونتا ملموس بود ، همانا حزب سیاسی واحدی بود که بنیادش می عملگرهایش را - "تهدی" کند ، حزب سیاسی واحد با خصلت کثویرا تیوستی .

اما از سوی دیگر ، ره آورد خونتای نظمی برای جنبش مطالباتی کارگری ، سرکوب بود و محدودیت آفرینی . نظامیان تمامی اعتمادهای کارگری را بلااستثناء سرکوب میکردند . تمامی انتشارات چپی غیرقانونی خوانده شد ، و رهبران اتحادیه های کارگری و نیز سازمان های سیاسی کارگری ، روانه تبعیدگاه شدند . جنبش کارگری در طول این غسل ، هرچند این

جا و آنجا ، خودی نشان میداد ، اما بمشابه جنبشی با شغل معین و مشخص طبقه ای - سیاسی نتوانست ، نتوان که پیشتر کرده بود ، عرض اندام کند . سرکوب بنفایت گسترده نظمی میان ، جلوی حرکت حتی خود انگیزه کارگری را سد کرده بود .

در درون جنبش کمونیستی پرو ، تحلیل و شناخت رژیم "خوان و لاسکوال" وارد و ، بمشابه رژیم استثنائی ، مشاجرات ، اتحاد مواضع گوناگون در مقابل آن و نهایتاً "انشعابهای فراوانی را سبب شد . "حزب کمونیست پرو" (بخوان) رفرمیست) از زمره جریانهای بود که پیشاپیش دیگرگران خود ، رژیم "خوان" ال وارد و" را ، رژیم مستقل و مترقی می خواند ، و هم از این روسر سیمه بسته پشتیبانی اش شتافت . نظریه "راه رشد غیرسرمایه داری" یکبار دیگر گویا ناچی خود را در پوشش او نیفورم نظمی بیگ ژنرال در پرویا فته بود . در سوی دیگر بودند جریانهای که در عملکردهای رژیم "لاسکو" ، عملکردهای رژیم فاشیستی را می جستند ، این جریانها که بعدها به مدافعین سرسخت نظریه "سهجهان" بدل شدند ، اصلاحات انجام شده از سوی - خونتای نظمی را تنها پوششی میدیدند و برعکس ملت مستقیم اینان - عا ملیت مستقیم امپریالیسم آمریکا . دیگر نظریه های رایج ، با واقعیتی که به نعل میزدند و یکی به میخ ، پرچمداران نشان از زیگسو ، سلسله ای از اصلاحات را میدیدند که انجام آنها عملاً "لیگاری سنتی پرو را بمصاف طلبیده بود و این را نمی توانکار کرد و

از سوی دیگر سرکوب بی وقفه و بی محابای جنبش کارگری را میدیدند ، که توسط - همین مصلحین انجام میگرفت . در واقع نمیتوان چشم اندازی جز انفعال یا انحراف برای کسی یا جریانی تصور کرد که هر چند بر خودنا م ما رکسیست نهاده ، اما بخاطر فقر آگاهی سیاسی ، تنها چیزی که نیمه داندهمان ما رکسیسم است ، ما رکسیسم خیلی بیشتر ، یعنی در زمان ما رکس و توسط خود ما رکس پاسخ خویش را در زمینه شناخت رژیمهای از نسوع خونتای نظمی "و لاسکوال وارد و" داده - بود : بنا بر رژیم .

بنا بر رژیم ، نوعی دیکتاتور که با سلب قدرت از تمامی طبقات و از جمله بورژوازی ، خود را فراتر از طبقات و - متافعال می نماید . بنا بر رژیم هر چند که منافع بخشی از بورژوازی را - بلاواسطه ضایع میکند ، اما نماینده بورژوازی نیست ، رژیم بنا بر رژیمتستی محصول اینچنان شرایط حادی از بحران سیاسی - اقتصادی است که در آن دیگر نهادهای سنتی ائی چون پارلمان بورژوازی قادر نیست رسالت تاریخی را در تخیف این بحران انجام دهند . تنها راه را هر می مستقل از بورژوازی ولی همیشه در پیوند با بخشی از آن قادر است ، بحران را فروکشاند ، ما رکس بنا اعتقاد بر همین باور بود که گفت : با ارائه بنا بر رژیم "بمنظر میرسد که مبارزه فرو نشانده شده است ، و آنهم بشکلی که تمامی طبقات به یکسان نتوان و به یکسان - مخدوش و برابر قنقدار تفنگ زانوسو بر زمین زده اند ."

خبری از نیروی هوایی

بقیه از صفحه ۲۰

میزدیدولی فرمانده پایگاه نتوانست جوابگوی پرسنل باشد "فرمانده که جوابی به اعتراضات پرسنل نداشت کارتها را به آنها داد و پرسنل روانه پایگاه شدند اما بعد از چند ساعت با ردیگر آنها را اخراج کردند . پرسنل داخل پایگاه همدردی - بسیاری با پرسنل اخراجی برازمیکردند یکی میگفت "این فرد که الان پاکسازی شد برای این انقلاب خیلی زحمتها کشید" دیگری میگفت "رژیم شعار زرقداری از مستضعفین میدهد ولی هر روز به مستضعفها ضربه میزند و یکی دیگر میگفت مردم انقلاب خوبی کردند ولی حیف که بدست اینها افتاد که بدتر از شاه به ضعیفها زور میگویند" که درجه داری به او گفت "این حرفها را - نزن اعدامت میکنند" و او در جوابش گفت "بکنند این همه اعدامت میکنند آیا خون ما از خون آنها رنگین تر است آدم - یکدفعه می میرد چه بهتر از زحمت دفاع کند بعد میرد . در ضمن یکدفعه مردن بهتر از ذره ذره مردن است"

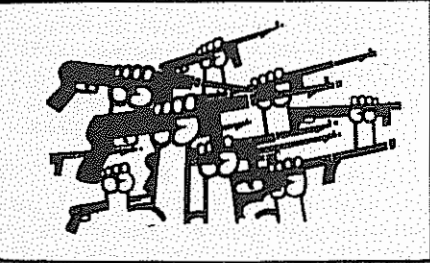
در مرحله دوم حدود ۱۵۰۰ نفر در سطح پایگاه یکم شکاری و پایگاه یکم ترابری پاکسازی شدند و این افراد - تغلیه خانه های سازمانی آنها ۱۰ روز مهلت داده شده است و در مرحله سوم نیز حدود ۳۰۰ نفر از پایگاه یکم شکاری و

با یکباره یکم ترابری پاکسازی شدند . اینک در پایگاه - تمامی پرسنل ناراحتند . حتی چندین پرسنل دیده شده اند که گریه میکردند ، اکثر پرسنل میگفتند "فردا نوبت خود ما ست و بعضی نیز در ضمن محکوم کردن اخراجها میگفتند "کاش ماهم از اول ریش میگذاشتیم که پاکسازی نشویم" پرسنل میگفتند "پاکسازی در خط آمریکا است چونکه پرسنل نیروی هوایی در قیام سهم مهمی داشتند الان اینها از پرسنل این سازمان میترسند ، فردا اگر بر نامه - ای بشود همبستگی با مردم اعلام کنند" "کلا در عین حاکمیت جونا را حتی شدید پرسنل از پاکسازی ها اطاعت کورگورانه بیش از پیش در پایگاه ها حاکم میگردد و اینک پاکسازی چون شمیری برگردن - پرسنل نهاده شده است تا در صورت هرگونه سرپیچی از اوامر ، بر زندگی آنان فرود آید ."

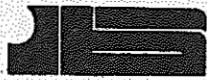
پرسنل پاکسازی شده در مبارزاتشان جهت پاکسازی به کار ریا می رسند . با پرسنل پاکسازی شده اعلام همبستگی کنید تا - بدین طریق بیش از پیش دلگرم شوند - و به مبارزه روی آورند . پرسنل پاکسازی شده با یخ خود را سازمان دهند ، در زمانهای معین مقابل پایگاهها و یا مقرهای فرماندهی و (بخصوص در مناطقی پر جمعیت شهر) تجمع کنند ، خواسته های خود را با توده ها در میان نهند و جهت پاکسازی به کار مبارزه کنند . با بد تشکیلات منظمی جهت خبررسانی و شکل دادن حرکات جمعی و یکپارچه ایجاد کرد ، با بد پرسنل انقلابی درون پایگاهها تماس گرفت و مبارزات را هماهنگ نمود . با بد در مقابل رژیم ضد خلقی ایستاد ، بر آستی که رژیم از پرسنل متحد و یکپارچه میترسد .

پرسنل مبارز نیروی هوایی ، پرسنل رزمنده نیروهای مسلح ، فردا نوبت شما است ! هرگاه اینک با همبستگی ، تشکل و مبارزه در مقابل سیاستهای ضد خلقی رژیم ایستادگی نکنید فردا نوبت شما ست بداند رژیم "از پرسنل میترسد" اما تنها از پرسنلی متحد و متشکل .

جهت مبارزه با سیاستهای ضد خلقی رژیم تشکلهای مخفی ایجاد کنید ، صندوقیاری را سازمان دهید تا بتوانید به



از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره ، نان ، مسکن ندارند



نیروهای مسلح و انقلاب (۲) نیروی هوایی

بقیه از صفحه ۱
قتل عام میشود. اکنون که شوراهای کارگران، کارمندان، دهقانان و شوراهای محلی و بطور کلی تمامی نهادهای توده‌ای مورد هجوم عمال حکومت مکتبی قرار گرفته - اند و هر روزدهها نفر از اعضا - ایمن نهادها دستگیر، شکنجه و اعدام میشوند، اکنون که نیروهای انقلابی هر روز دسته دست به گناح از حقوق مسلم توده‌ها به جوخه‌های اعدام سیرده میشوند، اکنون که عملاً "حزب الله" به جای مردم نشانده شده و هر چه غیر از آن است با غی و باغی قلمداد میشوند و مکتب ولایت فقیه حکم میکند که با غی و باغی را باید زنده اش را کشت و نیم کشته اش را تمام کشت کرد، اکنون که عملاً "جوهرگونه حرکت قانوسی" با ۳۰ جمعی شده و جز حرکت تهرآ میرا هسی رای توده‌ها نمانده است در چنین شرایطی بلیز غم افتم موقتی که در مبارزات توده‌ها ایجاد شده، در این کشاکش انقلاب و ضدا انقلاب بزودی مبارزات توده‌ها ببار دیگر امتحانی دیگری خواهد یافت و با قدرتی عظیم تر در برابر رژیم مبنور جمهوری اسلامی قدامت خواهد کرد و رژیم جمهوری اسلامی با تمام قدرتش سعی خواهد کرد تا می ارتش را برای سرکوب مبارزات توده‌ها به اعمال قهر ضدا انقلابی وادارد (که از مدت‌ها پیش در تدارک آماده کردن ارتش برای چنین روزیست) ، اینکه تا چه میزان در این مورد موفق شده و یا میتواند موفق شود مسئله ایست که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد.

در این مقاله سعی میکنیم با ارائه تحلیل مختصری از نیروی هوایی اهداف رژیم توانائی آن را در تحقق بخشیدن برای اهداف در نیروی هوایی مورد ارزیابی قرار دهیم.

ابتدا نگاهی به تاریخچه نیروی هوایی میاندازیم:
نیروی هوایی عمدتاً پس از کودتای سوم اسفندماه ۱۲۹۹ توسط رضاخان تأسیس یافت و تحت رهشودهای حکومت انگلیس ایجاد گردید و هدف عمده آن سرکوب جنبش‌های محلی و توده‌ای بود که در آن زمان - میرفت تا طومار حکومتی ملوک الطوائفی قاجار را در هم بپیچد.

اجمالاً میتوان گفت کودتا در شرایطی صورت میگردد که اولاً در کشور بزرگ همسایه انقلاب کبیرا اکتبر تحقق پیدا کرده و حکومت جوان شوروی رسماً "از رگلبه" ادعاهای خود در مورد ایران (ادعاهائی که امپریالیسم روسیه تزاری در مورد ایران داشت) صرف نظر کرده و عملاً - امپریالیسم انگلیس یکه تاز میدان شده است. کشور دچار بحران انقلابی است و در هر گوشه ایران حرکات انقلابی، شورشی، مبارزاتی جریان دارد. جنبشهای انقلابی در گیلان و مازندران، آذربایجان، کردستان، خراسان، ...

و همچنین تضادهای درون ضدا انقلاب از جمله تضاد بین شیخ خزعل عامل انگلیس با حکومت مرکزی به مرحله حادی رسیده و حکومت ملوک الطوائفی قاجار عملاً "فلج" شده و قادر به هیچ کاری نیست، نه میتواند انقلابات و شورشها و مبارزات را سرکوب نماید و نه تسلیم انقلاب میشود، در شرایط کشاکی انقلاب و ضدا انقلاب نسیم جان بخش انقلاب اکتبر به جبهه انقلاب جانی تازه میدهد، و ضدا انقلاب با ناتوانی و بیلا تکلیفی خود به ورطه مرگ و پوسیدگی کشیده میشود. و در این شرایط جزیک حکومت متمرکز و قدرتمند در عین حال توهم نگیر، هیچ حکومتی قادر به مقابله با بحران نمیتواند باشد و چنین است که رضاخان قزاق کوکهنه قهر نوکرا انگلیس مورد توجه دولت انگلیس قرار میگردد و توسطه کودتای سوم اسفند شکل میگردد، همه گونه کمک برای کودتا - چنان فراهم میشود و تمامی رقبای آنها از حمایت معاف میشوند، و حتی کودتا چنان اجازه مییابد تا شیخ خزعل وابسته را نیز سرکوب کنند تا اعمال یک حاکمیت متمرکز امکان پذیر شود. سرکوبی که در عین حال عامل توهم نیرو میشود چرا که مگر نوکسر نوکرا سرکوب نمیکند؟!!

آنچه مورد نظر رضاخان و امپریالیسم انگلیس بود سرکوب جنبشها و مبارزات توده‌ای بوده و لزوماً "تدارک ابزار سرکوب" بیش از همه چیز توجه آنها را به خود جلب میکرد. ایجاد ارتش منظم و سلسله مراتب بوروکراتیک و اطاعت کورکورانه از - اولین اقدامات رضاخان بود که در این رابطه در سال ۱۳۰۱ فرمان تأسیس هواپیمائی نظامی از جانب رضاخان صادر میشود.

از آنجا که سیاست سنتی انگلیس (تحت فشار شرایط بین المللی) در مورد استعمار و وابستگی تغییر کرده بود و محافل بین المللی نیرو رضاخان را نمابیننده بورژوازی ملی ارزیابی میکردند که این توهم به نفع اهداف انگلیس نیز بود، بنا بر این لازم بود وابستگی رضاخان پوشیده بماند و این بود که ابتدا در ۲۶ دیماه ۱۳۰۱ سفارش خرید هواپیمای سه آمریکا داده میشود و چون آمریکا از فروش هواپیمای متعددتر میگردد (به بیانه "موسس کنفرانس" به اصطلاح خلق سلاح بودن!) بنا بر این برای خرید سلاح ابتداییه آلمان و سپس به فرانسه و شوروی روی میآورد و پس از تحکیم موقعیت دیکتاتوری رضاخان و سرکوب گسترده جنبشهای توده - ای، برای خرید سلاح از انگلیس اقدام میکنند. (بعدا از جنگ جهانی دوم و تضعیف انگلیس، رضاخان عمدتاً "به خرید هواپیمای از آمریکا مبادرت میکند) در مورد سرکوب نیروی هوایی در سرکوب توده‌ها در زمان رضاخان به بیان دوفاکت تاریخی از اسناد نیروی هوایی اکتفا میکنیم.

"هواپیمای نظامی ایران پیش از تأسیس اداره هواپیمائی کل قشون (ارتش) با خلبان خارجی و با دستور تیکه از طریق دفتر هواپیمائی ستاد ارتش صادر میشد در عملیات نظامی شرکت میکردند و تا - ماه ۱۳۰۵ هیچ یک از خلبانان ایرانی در عملیات رزمی شرکت نکرده بود، در - نخستین سال تأسیس هواپیمائی نظامی اکثر نقاط کشور، در ارتش ناامنی و هرج و مرج شعله و رو قشون جدیدالتأسیس ایران با برقراری نظم و امنیت در این مناطق مشغول بیکار بود، با زمستان هواپیمائی نظامی این کشور نیز که در واقع دوران کودکی خود را طی میکرد، با وجود کمبود هواپیمای پرسنل و کارخانه فنی، بخصوص کمبود خلبان و آماده نبودن فرودگاهها، با همه امکانات خود و حتی با بدگفت خیلی بیشتر از آنچه در شرایط موجود آن عصر، از این سازمان میتواند انتظار داشت در کلیه عملیات رزمی، - دوش بدوش صنوف دیگر قشون بنحوی بسیار موثری شرکت کرد. در عملیات جنگی که در شمال و شمال غرب یعنی آذربایجان و خراسان، از تاریخ دوم تیرماه ۱۳۰۵ بر علیه متمرکبین ساخلسما سوسا خلسو مراوه تپه از سوی ارتش ایران انجام - گرفت، طیارات و خلبانان "اداره هواپیمائی کل قشون" نقش مهم و موثری را عهده دار شدند.

"فرماندهان قوای زمینی درگیر عملیات، شرکت هواپیمایها را بقدری پر ارزش و حیاتی میشمردند که با وجود کلیه مشکلات موجود برای هواپیمایها به هیچ وجه حاضر به صرف نظر کردن از حمایت هواپیمائی نبودند. مثلاً "فرمانده قوای زمینی که در آذربایجان مشغول بیکار با غیبان و متمرکبین بود مرتباً "آذرک" را تحرب کمال قشون تقاضای هواپیمای میکرد، در تهران هم با شرایط موجود که تقریباً "همیشه هواپیمایها و خلبانان در مایه موریت بودند فقط یک فروند هواپیمای یونکرس - ۲۰ موجود بود که برای پرواز دادن آن خلبانی وجود نداشت تا بتوانند در عملیات - آذربایجان شرکت کنند، تا چاره فکر کرایه یکنفر خلبان آلمانی از شرکت یونکرس (که در آن زمان با چند هواپیمای در ایران به حمل و نقل پست و مسافر مشغول بود) پیش آمد و سرانجام خلبان مورد بحث بطور روزمزد استخدام شد و در تاریخ اول مهرماه ۱۳۰۵ با هواپیمای مذکور همراه مکانیسین موسوم به "ریخولا" بسوی آذربایجان پرواز کرد. خلبان آلمانی که از شرکت یونکرس در تهران استخدام شد سفر نام داشت. این خلبان شجاع در حاس - ترین موقع خود را به منطقه "نبرد - آذربایجان رسانید و بر علیه افسراد اسمعیل خان سمیتقو وارد جنگ شد و به همراه خلبانان ایرانی نهایت تلاش جستار - بقیه در صفحه ۸

مبارز ضدا امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

نیروهای مسلح و انقلاب

بقیه از صفحه ۷

وفداکاری را در انجام ما موریتتهای محوله به منصفه ظهور رسانید و بدینسان مشخص میشود که چگونه ارتش و بوروکراسی حاکم بر آن به مثابه ازاری ضد خلقی در خدمت دیکتاتور رضاخانی و طبقه حاکم قرار میگردد و برای حفظ منافع حکومتگران و اربابان - امیریالیست آنها توده ها را به خاک و خون میکشد، و بالاخره کشاکش انقلاب و ضد انقلاب با غلبه ضد انقلاب و تحکیم موقعیت آن (با بهره گیری از همه اشتباهات و لغزشهای پیشروان) با یان میگردد و سالیها دیکتاتوری خون آشام بر مردم مسلط میشود.

و اما عمردیکتاتورها هیچوقت بسی جان وید نمی آید و در بحران جهانی سالهای ۱۳۲۰ و در جریان جنگ جهانی دوم با زهم جنبش های توده ای اوج میگيرند و تضادهای درونی ضد انقلاب تشدید شده و بالاخره رضاخان توسط اربابان خود تبعید میشود و پسر سرسپرده اش به سلطنت گمارده میشود.

در اثر رشد و گسترش تضادهای طبقاتی باز هم جنبش انقلابی کشور ما در برابر وضعیت انقلاب صف آرائی میکند و ضد انقلاب حاکم را به زیر ضرب میبرد و کردستان و آذربایجان از کنترل ضد انقلاب خارج میشود. اما از آنجا که جنبش انقلابی ما محروم از یک رهبری واقعا انقلابی بوده و فاقد سازماندهی و عمل انقلابی بود، ضد انقلاب با تمام توان خود بر علیه خلق پورتر میبرد و در آذرماه ۱۳۲۵ نیروی هوایی در سرکوب خلقهای کردستان و آذربایجان وسیعاً شرکت می کند و نقش بزرگی در پیروزیهای ضد انقلاب ایف می نماید.

بعد از کودتای سیاه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که جنبش انقلابی کاملاً شکست می خورد، تکلیف حاکمیت و وابسته ایران بر ارتش بیشتر میشود، و میلیتاریسم هر چه بیشتر گسترش پیدا میکند و وقتی در سالهای آخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ جنبش انقلابی با زهم رسانی محسوس می آید، با زهم رسانی و نیروی هوایی (اینها را وسعتی کمتر) بر علیه توده ها وارد کارزار میشود، در چنین شرایطی گسترش بازاریها بس برای امپریالیسم ضرورتی حیاتی پیدا میکند و فرمال ۴۲ برای رژیم مزدور شاه ضرورت می آید و در رابطه با این فرم است که نیروی هوایی وظایف تازه ای پیدا میکند، چرا که امپریالیسم برای ایران مسئولیت ژاندارمی منطقه را تفویض میکند و برای انجام چنین مسئولیتی نیروی هوایی منسجم تر، مدرن تر، و با قدرت آتش قوی تر لازم می آید.

بنابراین تصمیم گرفته میشود نیروی هوایی مدرنیزه شود، هواپیماهای پیچیده تری با سلاحهای مربوطه خریداری

و کادرهای مورد لزوم تربیت شود تا به هنگام ضرورت (همچنانکه در سرکوب انقیاب عمان ضروری شد) مورد استفاده قرار گیرد.

دیگر کادرهای فنی سابق نیروی هوایی قادر به نگهداری هواپیماهای مدرن نبودند. حتی ازدانش کلاسیک برای دریافت پیچیده گلیهای مکانهیسی این هواپیماها لازم بود که این حتی دانش، میتوانست دیپلم متوسط باشد. در اینجا نیروی هوایی دچار مشکل شد، از طرفی از نظر بوروکراسی نظامی کاربندی برای افسران کسرشان شمرده میشد (افسران فقط برای فرماندهی تربیت میشوند) و از طرف دیگر دیپلمها جز درجه افسری به درجه پایین تری راضی نبودند، چرا که درجات پائین تر (پائین تر از افسر) در سلسله مراتب بوروکراتیک از شخصیت و حقوق اجتماعی چندانی برخوردار نیستند و دیپلمها ترجیح میدهند که وقتی وارد سلسله مراتب نظامی میشوند "افلا" افسر باشند تا کمتر زیر فشار باشند. پس در آن شرایط، مشکل نیروی هوایی این بود که اولاً میبایست به استخدام دیپلمه پیدا زد و در ثانی به آنها درجه افسری ندهد، پس با چارشدیه ایجاد رسته جدیدی دست بزنند، و به شکل قانع کننده ای به استخدام دیپلمه پیدا زد، رسته جدیدی که ایجاد شد رسته کمک مهندسی نیروی هوایی بود که افراد این رسته بنا بود ۲ سال دوره شبانه روزی ببینند و پس از ۲ سال به عنوان کمک مهندس و بالباس شخصی در نیروی هوایی خدمت بکنند، پس از استخدام اولین دوره هنرجویان کمک مهندسی، نیروی هوایی متوجه شد که هنر جوها که بناست بعداً کمک مهندس شوند و بالباس شخصی بیوشند، عملاً سلسله مراتب را به هیچ میگيرند و مقررات نظامی از قبیل احترام به مافوق، نظام جمع، اجرای دستورات مافوق تقریباً به هیچ گرفته میشود این برخورد با مقررات نظامی، برای ارتش قابل تحمل نبود، این بود که از سال بعد در آگهی استخدام هنرجویان اعلام کردند که هنرجویانی که پس از یکسال دوره شبانه روزی مایل به دریافت درجه استواری باشند میتواند با حقوق مکفی درجه استواری بگیرند و در شبانه روزی آنها نیز با یان پذیرد حقوق استواران کمک مهندس در آن شرایط تا حدودی مکفی بود و خیلی بیشتر از افسران جز در نظر گرفته شده بود.

در شرایط سالهای ۴۵ و ۴۶ که بحران بیکاری هم وجود داشت خیلی ها بسوی این شغل جدید جذب شدند و به عنوان هنر - جوبه خدمت نیروی هوایی درآمدند اما اغلب آنها نیکه برای دوره دوم استخدام شده بودند قبل از اینکه بالباس بیوشند و برخورد های درون پادگان مرکز آموزشها را ببینند در ساختمان واقع در مرکز آموزشها مورد تبلیغ چندتن از فرماندهان قرار گرفتند و پذیرفتند که قبل از اتمام یک سال دوره شبانه روزی و همان جا تعهدی مبنی بر پذیرش درجه استواری بنویسند که این تعهدات دن - بعدها به مثابه فریب و کلک خوردن تلقی

شد، و مورد اعتراض آنها قرار گرفت که برای اولین بار در نیروی هوایی یک حرکت اعتراضی دسته جمعی بصورت نامه نگاری فردی از طرف بیش از ۲۰۰ نفر معترض شکل گرفت. بلافاصله ضد اطلاعات واکنش نشان داد و جلوگیری حرکت را گرفت، در پی این حرکت تعدادی از گردانندگان این حرکت زندانی و اخراج و بازداشت شدند، و بقیه پرسنل عملاً "مربوع شده و از امانه حرکت بازماندند.

اما فرماندهی نیروی هوایی عملاً دریافت که درجه استواری مورد پسند هنر جوها نیست و این پرسنل ناراضی هرگاه علیه غم خواست خودشان استوار هم بشوند در امان نگارشان بسیار پائین خواهد بود و به همین مناسبت بود که در سال ۴۷ درجه همافری را ایجاد کردند و از آن پس با استخدام همافران در ارتش و در خدمت همه استواران کمک مهندس همافرانند و بسیاری از کمک مهندسیان شخصی نیز بدلیل بالابودن دریافتی ماهانه همافران درجه همافری را پذیرفتند و بدینسان درجه همافری ایجاد و تثبیت گردید. ولی تضادهای آنها با دیپلمه رسته ها بسوی افسران هرگز حل نشد چرا که همافران فرماندهی افسران (بسیار گه افسران جز و بطور کلی فرماندهان) را قبول نداشتند و برای خودشان اقتلا بنده اندازه آنها قابلیت قائل بودند.

همافران که عمدتاً "کار فنی ویدی" میکردند فشارهای بوروکراتیک برایشان بسیار رگران میآمد (همچنانکه درجه داران و سربازان) و به علت کار مشا به و تحمل فشارها و دردهای مشابه یک همبستگی نسبی در بین شان ایجاد شد و از این کانال همواره در برابر بوروکراسی تا حدودی مواضع دفاعی مشابه میگرفتند و فساد بوروکراسی خیلی دیرتر دامنگیر آنها میشد.

تحمیل زحمت و کاربندی، با توجه به سواد نسبی این رسته باعث شد که آگاهی طبقاتی و مبارزاتی در میان همافران بسوی از دیگر رسته های نیروی هوایی رشد کند و همین مسئله باعث شد که در جریان قیام و حتی قبل از آن پیوند های بین همافران و درجه داران ایجاد شود اگر چه بوروکراسی همواره سعی کرده تضادهای بین همافران و درجه داران را به نفع فرماندهان دامن بزند و لایسی خصوصیات طبقاتی مشترک (همافران و درجه داران و حتی افسران جز) عمدتاً فرزند ان زحمت کشانند) و تحمل فشارهای بوروکراتیک مشترک همواره مانع گسترش تضاد بین آنها بوده و در نهایت امر، در برابر فرماندهان موضع مشترک میگرفتند. اگر چه برخی از درجه داران حتی برخی از همافران به موضع کاسه - لبسی فرماندهان میغلطیدند و هنوز هم میغلطند، ولی با همه این احوال تمامی اقشار نیروی هوایی در درون یک سیستم بوروکراتیک نظامی قرار داشتند و عملاً بر علیه خلق آموزش میدیدند و تربیت میشدند و در درون آن سیستم به هیچوجه امکان خدمتگاری به خلق را نداشتند.

بقیه در صفحه ۱۳

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

فاجعه سینما رکس دوباره تکرار شد

رژیم جمهوری اسلامی در روز دوشنبه ۲۵ مهر ماه فاجعه‌ای دیگر آفرید. جلادان رژیم چون حیوانی زخم خورده که پنجه به هر سو میکشد، دو کودک بیگنا را در آتش - خشم ضد خلقی خود سوزاندند و به خاکستر بدل ساختند. مزدوران رژیم تویوسی را در شیراز به همراه مسافرانش به آتش کشیدند و در حین فرار در راهی آنرا نیز بستند و بدین طریق دو کودک خردسال را کشتند و چندین نفر زخمی و مجروح سرجای آنها دند. این فاجعه با ردیگر فاجعه سینما رکس آبادان را در دهان نوده‌ها زنده ساخت و با ردیگر تصویری از کوره‌های آد مسوری فاشیستهای هیتلری بر کتاب قطور جنایات رژیم نقش بست.

رژیم سعی کرد با انتساب این جنایت هولناک به نیروهای انقلابی جنگال‌های خونین خود را در پس پرده - بنیان سازد. رژیم تمامی بوغهای تبلیغاتی خود را بکار گرفت، رادیو تلویزیون و مطبوعات مزدوران را بکار انداخت و ساله را در مجلس مزدوران، طرح نمود تا مجاهدین را عامل این جنایت قلمداد کنند، و حتی وقیحه نه "شاه" کار خود را در تلویزیون به نمایش نهاد تا مگر بتوانند اهداف شوم خود را به پیش برد.

رژیم سعی در ردیدن طریق از روی آوری روزافزون و حمایت شدت یافته توده‌ها از نیروهای انقلابی جلوگیری نماید و از سوی دیگر جنایات فاشیستی خود را توجیه و تبرئه نماید. رژیم که شاهد موخشم و کین روزافزون توده‌هاست، رژیم که می‌بیند هر اعدا چنانیک را نه بخش دیگری از خلق را بر او می‌شورانند، رژیم که شاهدست سرکوب و شکنجه و زندان در جنین ابعاد وسیعی نمیتواند توده‌ها را خاموش سازد و رژیم که می‌بیند توده‌ها بیش از پیش به صحت نظرات و ایده‌های نیروهای انقلابی واقف میگرددند و از اینروست که حمایتشان از این نیروها روبه فزونی مینهد قصد دارد با این جنایت هولناک و انتساب آن به نیروهای انقلابی بر جنایات خود پرده‌ها ترا فکند. رژیم میخواهد اعدا صدها خردسال، دانش آموز، زن خالمه و حتی پیر مرد و پیرزن بیگناه و جوانان انقلابی را در پس سوزاندن دو کودک بیگناه و انتساب آن به مجاهدین ببوشاند. رژیم قصد دارد با این جنایات جنگال خونین خود را مخفی سازد.

از سوی دیگر رژیم میکوشد بدین طریق در مقابل فشارهای که از سوی محافل خارج از کشور به او وارد می‌آید مقاومت نماید. اینک که رژیم برافشا رنبروهای انقلابی در خارج کشور سازمانها می‌چون عقوبین المللی مجبور به موضعگیری بر سر اعدا می‌های فاشیستی رژیم جمهوری اسلامی شده‌اند، رژیم میکوشد با دست زدن به چنین مانورهای مذموب و ناجوانیت

آمیزی در مقابل این موضعگیری‌ها نیز تعرضی اتخاذ نماید. رژیم که در حرکت جدیدش در سیاست خارجی مجبور به اتخاذ یک سری روشهای بیرونگرا یا نه توجه به محافل و مجالس بین المللی گشته است تا از آزادی خود خارج شود، دیگر نمیتواند چون گذشته بسادگی در مقابل فشارهای سازمانها می‌چون عقوبین - المللی و کمیسیون حقوق بشر، سازمان ملل ایستادگی کند از اینرو تویوس - آتش میزند و کودکان بیگناه را خاکستر میکند تا در سطح جهانی بگوید "گرماسا اعدا می‌کنیم، در مقابل جنین جنایاتی قرار داریم" و بدین طریق از زیر بار با زدن زنده‌ها و سیاه‌ها لهای مخوف خود فرار کند.

اما در این میان با زهم این توده‌ها بیند که نقش تعیین کننده را بر عهده دارند، هر چند با ید تبلیغی وسیع را حول این جنایت رژیم سازمان در دو هر چند بخصوص وظیفه سنگینی در قبال افشای این جنایت هولناک بر دوش رفقهای انقلابی در خارج از کشور قرار داده است. به جرات میتوان گفت که توده‌ها این حیل کشف را با ورنخواهند کرد. توده‌ها در تجارب عملی خود بدستی نقش نیرو - های مختلف را در حمایت و سرکوب - مبارزاتشان در بافته‌اند. اینک وسیع - ترین افتار توده‌ها بدستی میداند که رژیم انقلابی نیروهای مبارزتها در جهت حمایت از آنها و تشنه در جهت رشد و اعتلای مبارزاتشان است. توده‌ها در آشنایی با نمونه‌های متعدد از حماسه - آفرینی‌های انقلابیون میداند که نیروهای انقلابی هیچگاه و در هیچ شرایطی به خلق آسیب نمی‌رسانند. توده‌ها دیگر نه تنها با حماسه آفرینی‌های مسعودها، بیژن‌ها، رضا بی‌ها، کتیرا بی‌ها و مدها - و صدها مبارز دزیر سینه‌ترین شکنجه - ها آشنا یند، توده‌ها نه تنها شاهدند که چگونه انقلابیون جان برکف در زیر شکنجه‌ترین فشارها و شکنجه‌ها علی‌رغم بریده شدن دست و پا و گوش و دماغ خود بدست جلادان رژیم دلیرانه از آلمان - خلق دفاع میکنند، توده‌ها نه تنها می‌بینند که چگونه رزمندگان دلیر خلق با نارنجک بسته بر بدن خویش به شکار مرگ میروند و در راه تحقق اهدافشان قطعه قطعه می‌شوند بلکه دیگر بخوبی و بدستی میداند که چگونه با رها و بارها فدا ثیان و مجاهدین جهت جلوگیری از آسیب رسیدن به مردم نارنجک خود را در سینه منفجر کرده‌اند و چگونه با رها امکان فرار از جنگ خصم را از دست داده‌اند و ندانند که به این خاطر که کودکی یا جوانی یا زن و مردی زحمتکش از آسیب مصون باشد، توده‌ها دیگر بدستی حماسه - سپهری‌ها و مقامی‌ها را نیز میداند و می‌داند که توده‌ها گلوله فدا ثیان و مجاهدین تنها و تنها در سینه خصم می‌نشینند و نارنجکشان

فقط و فقط در سنگردشمن طبقاتی کارگران و زحمتکشان می‌شکند، و از اینروست که با ورنخواهند که انقلابیون کودکان بیگناه را در آتش سوزانند و تویوسی را با مسافرانش بکشند هر چند که سگان درنده رژیم مدارا "روزه بکشید و این آوارا سردهند. حتی در حرکات اخیر مجاهدین نیز علی‌رغم بکارگیری خطا و اشتباهات کثیف به آتش کشانیدن تویوسها توده‌ها شاهد بوده‌اند که چگونه تمامی مسافریان از تویوس بی‌گناه میشدند و به کناره‌ها ریخته می‌گشتند، هم‌شاهه‌ها بدیدند که در میان رزات وسیع خیابانی روزیکشنه‌ها گذشته در تهران از سوی نیروهای انقلابی، حتی یک نفر از مردم نیز زخمی نشد و مورد آسیب قرار نگرفت.

از سوی دیگر توده‌ها با زهم در تجارب عملی خود ما هیت ضد خلقی، ضد بشری و خونخواری رژیم را در بافته‌اند. توده‌ها در بیش از ۲۵ سال تحمل سرکوب، کشتار، ترور و اعدا م‌در با فته‌اند که این رژیم ضد خلقیست که در مقابل آنها ایستاده است. و هرگونه مبارزه را با گلوله پاسخ میدهد و از چنگالش خون میریزد. توده‌ها دیگر میداند که این جلادان رژیمند که در گردستان سینه خلق را میدرنند، توده‌ها - تجربه‌ها را تا و اندر قاش، تجربه ترکمن صحرا و خوزستان، را هرگز فراموش نخواهند کرد. توده‌ها بیاد دارند که چگونه کارگران بیگنا را در اصفهان و کرمانشا به گلوله بسته شدند، بیاد دارند که چگونه صف رزمندگان را در شهرک البرز به رگبار بسته شد، توده‌ها بیاد دارند که چگونه خلق در میدان فردوسی تبریا را نشد. خلق هر روز شاهد تبریا را، کودک، زن و مرد و جوانان - انقلابی، شیشماری توسط رژیم است، توده‌ها هر روز شاهد شکنجه، دستگیری، اخراج، سوزاندن بدن، تازیانه زدن، دستبند قیاسی، تاج و زوهر زدن و شکنجه دیگر است که بر انقلابیون اعمال میشود. و از اینروست که توده‌ها بدستی میداند و هر نیرویی چه روشهایی را بکار میگیرد.

اینک جنایاتی سباعه بدست رژیم انجام گرفته است و این توده‌ها بیند که با بکارگیری تجارب عملی خود ایسن ترند در رژیم نیز به کینی افزونتر و خصمی فروزا نتزیدل خواهند ساخت. اگر جنایت هولناک سینما رکس آبادان - توانست رژیم شا را از آما چشم توفند ه توده‌ها نجات دهد و اگر سوزاندن بیش از ۸۰۰ نفر توانست جلوی سرتکونی شاه جلاد را بگیرد اینک نیز به آتش کشانیدن دو کودک بیگناه در شیراز توسط جلادان رژیم جمهوری اسلامی خواهد توانست جهت خشم انقلابی خلق را منحرف سازد. اما تا ریخ نشان داده است که سرکوبگران خلق پایدار نخواهند ماند.

حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست

انحطاط فرهنگی؛ شگل تراشیدگی و زنانه مردانه کردن اتوبوسها!

در خبری بود که رژیم پس از فاش شدن آمدن برتنامی مشکلات اقتصادی و اجتماعی و حل تمامی معضلات بسوز حتمتکشان با بکارگیری طرحی انقلابی و صریحی سعی در حل مشکل ایاب و ذهاب توده ها و مسئله کمبود اتوبوس و وسایل نقلیه عمومی و همچنین گرانی آنها دارد؟! این طرح که همانا جدا کردن زنان و مردان از یکدیگر در اتوبوسها، در جهت "حفظ شعرا اسلامی" بود یعنی استقبال وسیع توده ها در خطوطی که بصورت آزمایشی بکار گرفته شد با شکستگی مفتضحانه مواجه گشت و کار بجائی رسید که حتی روزنامه های قلمبه مزدی چون کیهان نیز بسبب انتقاد از آن برخاستند و انجمن اسلامی شرکت واحد نیز با آن مخالفت کرده - خواهان توقف آن شد!

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی میکوشد به نام حفظ شعرا نرمده هبی و حاکم کردن اخلاق اسلامی سیاستهای ضد انسانی خود را به پیش برد. رژیم میکوشد جدا کردن زن و مرد در سطح جامعه از یکدیگر را بعنوان راه حل انقلابی معضلات و مسائل موجود و شیوه ای جهت برقراری اخلاق انقلابی در جامعه جا بزند. هر چند روش است که به پیش کشیدن چنین مسائلی در شرایط کنونی جهت انحراف مبارزات توده ها از مسیر اصلی خود، جهت بفراموشی بردن و به دست پرده کشیدن سیاستهای ضد مردمی رژیم و جهت تبدیل مسائلی چون کمبود اتوبوس، مشکل ترافیک، اختتامات اتوبوسها در سطح شیوو... به مسائل درجه چندم است، اما با ننگی که در آن شکل از برخورد نیز بخوبی یا متاثر از رژیم متنبور گشته است.

تجارب عملی توده ها بخصوص در مقطع قیام بخوبی نشان میدهد که چگونه رژیم همواره جهت "حل" مشکلات، فدخلقی ترین و عقب افتاده ترین شیوه ها را بکار میگیرد هر چند حاکمیت فرهنگی منحط برجای معمه و آرا نجمله وجود برخورد های نامطلوب موجود بین مردان و زنان، آزار و اذیت زنان و... منتج از سیستم سرمایه - داری وابسته است که زن را بصورت یک کالا لویک جنس به بازار عرضه میکند اما - بخوبی بیاد داریم که چگونه در مقطع قیام در مقطع خیرش توده ها با پیدایش فرهنگی انقلابی و شکل گیری و رشد آن (هر چند بصورت خود بخودی) تمامی این مسائل بکناری زده شده بود. همه بیاد داریم که چگونه در مقطع قیام همبستگی و یکپارچگی انقلابی در بین وسیعترین اقشار خلقی حاکم گشت و چگونه آنرا منحنف فرهنگ کشف شاهنشاهی جای خود را به همکاری و همیاری انقلابی توده ها در جهت انقلاب داد. همه بیاد داریم که چگونه در مبارزات انقلابی خلق زنان و دختران رزمنده و زحمتکش فارغ از هرگونه برخورد غیر اخلاقی دوشادوش و در کنار مردان مبارز رزمیدند و بایه های رژیم سطنتی را برکنندند. اما با حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی بابر - براری سرکوب اختناق در تمامی زمینه ها - رهرو ادب گرفته تا مبارزات - سیاسی، با به عقب راندن انقلاب، با نابود کردن تمامی بنیادهای مردمی و مبارزاتی با در سرکوب هدایت فرهنگ منحنف حاکم برجای سیستم رژیم جمهوری اسلامی که خود بهیترت عامل حاکمیت جنسین روابطی برسد که توده ها سبب بهیترت - مغایلتها "اخلاق غیر اسلامی جنسین

سیاستهای ارتجاعی چون جدا کردن زن و مرد در اتوبوسها را بکار میگیرد. تنها کافیت بیاد داریم که چگونه کشورهای انقلابی با بکارگیری روشهایی چون شرکت وسیع توده ها در تولید، تامین کار و معیشت برای همه، ایجاد گسترده ترین امکانات برای ورزش و رشد دادن و تشویق ورزش های خلقی، تامین تمامی امکانات رشد جهت هنر انقلابی و ارائه آن به توده ها آموزش خلقی به وسیعترین صورت و جایگزین نمودن فرهنگ انقلابی در توده ها، تسلیح خلق و آموزش نظامی، تدارک اردو و مدارس و گانونه های تربیتی جهت بازآموزی محکومین، منحرفین و مجرمین و... موفق شده اند ریشه های منحنف فرهنگ های امپریالیستی را بحشکانه ننوا نگاه ببینیم که چگونه رژیم جمهوری اسلامی توسط سرکوب هنر، فرهنگ و ادب انقلابی، سرکوب مبارزات توده ای و سرکوب انقلاب، خود مهمترین وعده ترین عامل انحطاط فرهنگی است. روشن است که راه چنین روشهایی تنها و تنها دنباله تمامی سیاستهای سرکوبگرانه رژیم وادامه منطقی فرهنگ ضد انسانی است که رژیم ترویج میکند. همچنین این روشها تداوم سیاستهای است که رژیم جهت پایداری حقوق زنان اعمال میکند، تداوم منطقی لایحه قصاص، حق ارتجاعی تعداد زوجات، حق صیغه حجاب اجباری، و پایداری تمامی حقوق - زنان و... این سیاست تداوم حاکمیت سرمایه و سرمایه داری است که زن را نه یک انسان بلکه یک کالا و وسیله جهت شهواتی میداند. این سیاست تداوم منطقی تمام سیاستهای فدخلقی دیگر است و از اینرو توده ها در قبال آن بیا خواهند خواست.

پاکسازی کردستان "یا قتل عام خلق..."

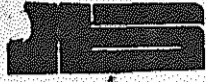
بقیه از صفحه ۲۰

حقیقت اینست که بیش از ۲/۵ سال است خلق کرد میوزمد و با رژیم حماسه آفرین خود رژیم را به لرزه در آورده است، حقیقت این است که "اشار" تمامی خلق کردند - پیروزی های رژیم همانا کشتار و قتل عام خلق کرد است. حقیقت اینست که ورود "سرداران اسلام" را به روستاها و مناطق دیگر کردستان کسی بیدیران نیست و کسی به استقبالشان نمیروند زیرا که در بسیاری اوقات کسی در روستا باقی نمانده است زیرا که در قرائت حیوانات و درزایندر - قاش حتی بیبر مردان نیز قتل عام شدند، زیرا که سرداران اسلام و سرکوبگران جمهوری اسلامی قبیل ازورود، محل را با کمک راکت و بمب و خمپاره های امپریالیستی "پاکسازی" میکنند.

هر چند حماسه خلق کرد در تداوم خود سرا سراسران زادن نور دیده و هر چند بسیاری از توده ها دیگر روشن گشته است که دوسوی مبارزه در کردستان کیا نند، هر چند موج - یورش وسیع رژیم در سراسران و حاکمیت اختناق و سرکوب و خشکانه و اعدا مه های بی امان توانست ما هیت خونخوار رژیم را به توده های وسیع خلق بنمایاند اما گاهی اسناد نچنان افشاگرانه است که

دیگر نا آگاه ترین توده ها را سزدر - خواهد گرفت. گاهی فدخلقی خود برد هدری میکند و خود چه رادش را با تمامی گرا هیت بهیابش مینماید. رژیم که در هر بخش تمامی نیروی خود را بکار میگیرد در سلیبیتات مذبحخانه اش قبیل از یورش و کشتار وسیع اخیر در کردستان جهت جنگ روانی و تضعیف روحیه خلق قهرمان کردستانه های متعدد ما در نمود، از جمله در بیانیه "تداوم عملیات شمال غرب کشور میخوانیم" به آگاهی کلیه برادران و خواهران - مسلمان و متعهد مناطق روستایی محوره ای یاد شده میرساند که در صورت عدم بیرون راندن و طرد نمودن و تحویل دادن عناصر غیر قانونی و ضد انقلابی با شلیک جنسی یک گلوله تمامی روستا را بدون استثنا و با قاطعیت با یلدوز و ماف و با خاک یکسان می نمایم" (کیهان ۱۴/مهر ۶۰) خلق باید بدانند که "پاکسازی" کردستان در قلموس جلادان چه معنایی دارد. و این بیانیه بدرستی نشان دهنده این معناست رژیم در کردستان رودر روی تمامی خلقی کرد قرار دارد. رژیم در کردستان قتل عام و سرکوب تمامی خلق کرد را هدف قرار داده است و از اینرو است که قویحا نه تهدید به "با خاک یکسان" کردن روستاها میکند. هر چند رژیم نام قاطعیت بروحشگر بهیسا و

ددمستی های خود مینماید اما این همه از سر هراس است، هراسی مرگ، رژیم میداند که تا زمانی که زحمتکش کرد زنده است حاکمیت جمهوری اسلامی را با گلوله های خشم و کین خود به خطر خواهد انداخت و سپیده نیست که رژیم اینگونه میهن را سبک گلوله را با به خاک و خون کشیدن یک روستا یا سخ میدهد زیرا که مدتهاست مزه خشم خلق کرد را چشیده است. اما چه مذبحخانه است این همه تهدید و ارباب وجه عیبت است اینگونه کشتار و سرکوب، دریغ که مرتجعین و کشتارگران خلق از تاریخ و از تجارشان نمی آموزند و رنه میدیدند که میلیونها تن بمب و مدها هزار گلوله نتوانست خلق ویتنام را از پای بنشاند، هر چند که روستا های بسیاری با بولدوزر، با خاک یکسان شد، و رننه میدیدند که چگونه ۲/۵ سال کشتار و سرکوب صدها هزار تن بمب و راکت و گلوله، تسمری جز نوننده ترگشتن جنش، جز فوران - گشتن آتش کین خلق و جز بی شمار گشتن پیشمرگان خلق کرد در بنا برده است، و رنه مرتجعین می آموختند که آتکس که با د میکا رد، نوقان درو خواهد کرد، نوقان - خشم خلق که آنگاه که بر خیزد تمام مسی سرکوبگران و مزدوران را نابود خواهد ساخت. نوقان انقلاب



نیروهای مسلح و انقلاب

بقیه از صفحه ۸

نیروی هوایی مدرنیزه شد، هواپیما - های فانتوم از انواع مختلف، و هواپیماهای شناسایی که پیشتر در اختیار نیروهای استراتژیک و منطقه‌ای و همچنین به منظور شناسایی و جاسوسی از منطقه قابل استفاده بودند - خریداری شدند و عمدتاً توسط همافران - سرویس شدند، این هواپیماها در سرکوب جنبش انقلابی خلق عمان شرکت کردند و همافران نیز بدون آگاهی از برنامه‌های عملیاتی هواپیماها ساده لوحانه خدمات سرویس هواپیماها را تأمین نمودند (اکنون که بسیاری از همافران به واقعیت برنامه‌های عملیاتی آن پروازها پی برده اند تا ساف عمیق، خود را آگاهان میدانند، اگرچه در آن شرایط کم‌مورد اطلاع از برنامه‌های عملیاتی هم عملاً قادر به جلوگیری از ادامه پروازها نبودند و این به علت عدم برخورداری از آگاهی سیاسی و تشکل و اتحاد لازم در میان آنان بود، که صد البته هنوز هم علیرغم رشد نسبی شان در این زمینه آگاهی و تشکل و وحدت لازم را ندارند و این مسئله باید مورد توجه نیروهای انقلابی قرار گیرد.)

تفادهای درون رسته‌های مختلف نیروی هوایی با فرماندهان همواره گسترده‌تر میشد و در این رابطه اقتار زحمتکش این بخش از ارتش، رفته رفته بهم نزدیکتر میشدند و با هم بیشتر احساس همدردی - میکردند چنانکه در مقطع قیام همافران و درجه‌داران و حتی سربازان و افسران جزء به حرکات مشترک دست میزدند و آن تفادهای گادتا و البته بین درجه‌داران و همافران به حداقل رسیده بود (ناگفته نماند که بسیاری از همافران به علت دریافت حقوق نسبتاً "بالا" بتدریج خلق و خوی طبقاتی خود را از دست میدادند و به چهره‌های "جوخ بحتیا" بوروکراسی تبدیل میشدند.)

بالاخره با زهم گسترش کمی تفادهای طبقاتی به تغییری کیفی رسید و بحران انقلابی با ردیگروا نیبا رگسترده تراز گذشته سرتا سرکشور را فراگرفت. که طبعاً چنین بحرانی نمیتوانست در درون - ازگانه‌های نظامی از جمله نیروی هوایی انعکاس نیابد. اما بدلیل عدم وجود آگاهی طبقاتی لازم، به دلیل عدم وجود سازماندهی و تشکل انقلابی و بطور کلی به دلیل عدم وجود یک رهبری انقلابی (همچنانکه خود جنبش سراسری)، انعکاس این بحران در درون نیروی هوایی تنها بصورت حرکات کوچک و بزرگ، فردی و جمعی ولی عموماً خوداتکبخنه بروز کرد. و در سراسر پرورسه قیام شکوهمند خلقهای قهرمان ایران هرگز نشانی از یک حرکت بزرگ سازماندهی شده دیده نشد. پرسنل انقلابی که در آن آینه‌ها هواداران سازمانهای انقلابی قرار داشتند علیرغم میلشان برای ایجاد

حرکات سازماندهی شده قادر به ایجاد سازماندهی مناسب نشدند و حرکات سازماندهی شده تنها در سطح محدود و کوچک امکان تحقق پیدا کرد. به موازات گسترش - مبارزات توده‌ها در مناطق مختلف کشور صفوف پرسنل انقلابی نیز گسترده تر شدند و سرتا سربازان آنها، با یکدیگر و مراکز - مختلف نیروی هوایی حرکات اعتراضی و انقلابی در پشتیبانی از جنبش انقلابی خلق بوجود آمد، گسترش یافت و بالاخره روز ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ این حرکات مستقیماً با جنبش انقلابی خلق گره خورد. هنرآموزان هنرجویان، درجه‌داران و همافران مرکز آموزشهای هوایی پس از انجام یک سری تظاهرات انقلابی و قتی مورد هجوم وحشیانه سرکوبگران نگارنده‌ها نشانی قرار گرفتند، خشمگینانه سلاح برگرفتند و مسلحانه با سرکوبگران وارد کارزار شدند، و در همان روز هواداران سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق ایران که برینا همراهی بیامی داشتند و قتی پیام استمداد مبارزان - نیروی هوایی را شنیدند به رهبری چند تن از نظامی سازمان به کمک آنها شتافتند و پس از تار و مار کردن دروزان گارد به تسلیم توده‌ها در حد محدود و تیرا حنکده‌ها مان روزی روز بعد توده‌ها تمامی مراکز سرکوب را - مورد حمله قرار دادند، مسلح شدند و با فتح تمامی مراکز سرکوب رژیم ۲۵۰۰ سال جنایت و حیانت را به گورستان تاریخ - سپردند و با خلق این حماسه، با ردیگر - ثابت کردند که وقتی توده‌ها با یکدیگر متحد میشوند هیچ نیروی اهریمنی از جمله محمد زامی دیکتاتور نیز (خمینی جلاد که جای خود دارد) قادر به مقابله با آنها نیست. وقتی توده‌ها رژیم فرسوده محمد زامی را بر سر قله قدرت نشاندند و در برابر او ایستادند، توان ایران را در برابر او تقویت کردند و رادیکالیته و روحیه مبارزه‌جویی را در میان خلق بیدار کردند. این امر نتایج عظیمی را در پی داشت که در این مقاله نمیتوانیم به آن پرداختیم. در نتیجه نیروی هوایی عملاً جنبش پرورشی خلق شد، بلافاصله پس از این امر در تمام قریه‌ها و روستاها نیروی هوایی شوراهای شورای مرکزی نیروی هوایی را تشکیل دادند. از همان آغاز و حاکمیت جدید دشمنی خود را با شوراها نشان داد و در برابر ابتکارات انقلابی پرسنل و شوراها را پرسنل انقلابی بسیاری نه‌ایستاد. پرسنل انقلابی تمامتی نیروهای مسلح اقدام به راه‌پیمایی اعتراضی به طرف مقر امام نمودند و از طرف آن مقر مقدس! جزاها نت و بی توجهی نصیبی حاصل نکردند. در نیروی هوایی علیرغم تکیه شوراها مبنی بر ضرورت - انتخابی بودن فرماندهی و نظارت شورا بر طرحهای عملیاتی، - مهادین از طرف نخست وزیر منتصب خمینی به فرماندهی نیروی هوایی انتصاب گردید. این انتصاب خشم شوراها و همه پرسنل را برانگیخت و بار دیگر هزاران همافر - همافران در این حرکت مرتکب اشتباهی عظیم شدند و در جهت جلب حمایت درجه -

داران، سربازان و افسران جزء هیچ کوششی نکردند که در پی این اشتباه رژیم توانست با تأیید اینده همافران می‌خواهند افسر شوند تا حدودی موقتاً "بین همافران و سربازان" زحمتکش شکاف بیاندازد، از تهران و نمایندگان همافران از ستانها بطور خودا تکلیف در ستاد فرماندهی نیروی هوایی تحصن گزیدند و مهادین - خیانت پیشه را اردفتر فرماندهی بیسرون انداختند.

مهادین دیگر قادر نبودند و باره دفتر فرماندهی برگردند و دولت موقت نیز به انتصاب مزدور دیگری اقدام کرد ولی - خواستهای منطقی سیاسی همافران همچنان بی پاسخ ماند و تحصن همافران روزها ادامه پیدا کرد تا اینکه بنی صدر شاید از طرف خمینی جلاد ما موریت یافت تا امر شورای شورای رادرنیروی هوایی پیش برد. عوامفریبی‌ها و شیرین ربانهای بنی صدر با توهم توده‌های مهادین هم آمیخت و - تحصن با دریافت مثنی وعده و وعده‌هایان گرفت. همافران آگاه در برابر خوشبختی و توهم اکثریت همافران کاری از پیش نبردند!

وبعدا علیرغم اینکه فرمانده مزدوری چون باقری ۲ بار در پایگاه یکم دستگیر و تحویل زندان شده بود ولی عناد حکومت در برابر پرسنل انقلابی جدی رسید که بالاخره این مزدور به فرماندهی نیروی - هوایی گماشته شد و اعتراضات پراکنده پرسنل سبزیجائی رسید.

آری علیرغم خواستهای رادیکال توده‌ها، حاکمیت در برابر توده‌ها قدامت کرد و بیشتر مان دست آورده‌های قیام شکوهمند خلق را مورد هجوم قرار داد. - نیروی هوایی نیز از این هجوم مصون نماند. تصمیمات شوراها بتدریج به هیچ - پایگاه نشسته شد و تصمیمات شوراها در اسباط - نیروی هوایی نیز اعمال گردید. در نتیجه در اسباط - نیروی هوایی نیز حاکمیت دستاوردهای قیام شکوهمند خلق را مورد هجوم قرار داد. -

مراجعات مکرر به دفتر امام، - شوراها و متعده با فرماندهی مزدور و سرکوبگران جنبش خلق و غیره بتدریج - کام پس نهادند و چنان شد که شوراها و انجمن های اسلامی و اداره سیاسی ایگنولوژیک نیروی هوایی در تمامی مراکز این نیرو - بیکه تا زمینان شده است. این ارگانهای اختیاتی که تمامی تلاششان را در جهت مرعوب ساختن پرسنل به کار میگیرند، در عین حال منفور اکثریت پرسنل نیز هستند. و خوشبختانه هیچگونه وهمی نسبت به این ارگانها وجودند. رد.

امروز همچنانکه در سطح کل جنبش خلقهای ایران، شرایط ویژه‌ای بوجود آمده، در نیروی هوایی نیز حالت ویژه‌ای در میان پرسنل انقلابی برقرار شده است. همچنانکه در سطح جامعه تحقق مسالمت میز خواستها و آرزوهای مردم، به امری خیالی بقیه از صفحه ۱۴

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

نیروهای مسلح و انقلاب

بقیه از صفحه ۱۳

و ناممکن تبدیل میشود، و هرگونه اعتراض با کلوله یا سخ داده میشود، پرسنل انقلابی نیز عملاً قادر به پیشبرد مبارزه قانونی در مراکز مختلف نیروی هوایی نیستند، هر گونه اعتراضی با تهدید و اخراج و زندان و حتی اعدام مواجه میشود و پرسنل بدون دریافت راه اصولی مبارزه، عمدتاً "چنین نتیجه میگیرند که دیگر نمیتوان کار کرد" (همچنانکه بخشهایی از خرد بورژوازی نیز در سطح جامعه به چنین نتایجی میرسند) ولی مبارزه اصولی در جامعه پیش خواهد رفت و اینبار توده ها، متحد و متشکل -

سازماندهی شده و توسط رهبران و نمایندگان واقعی خودشان رهبری خواهند شد و آنگاه با قدرت لایزال خود و با توسل به قهر انقلابی حاکمیت خائیکار جمهوری اسلامی را سرنگون خواهند ساخت و با بهره گیری از تمامی تجربیات تلخ گذشته، به اعمال دیکتاتوری توده های اقدام خواهند کرد. آنگاه پرسنل انقلابی نیز هر چه گسترده تر در کنار رطلق قرار خواهند گرفت و حداقتیل کاری که خواهند کرد ترک خدمت خواهد بود و تحت رهبری شوراهای انقلابی، مسلحانه به خدمت خلق خواهند آمد و در مراکز نظامی از جمله در مراکز مختلف نیروی هوایی تشکیلات انجمن های اسلامی و دواشنیر سیاسی ایدئولوژیک را بنا خواهند ساخت، بدینسان در پیوند با شوراهای انقلابی کارگران و دهقانان فرماندهی شورائی شکل خواهند گرفت.

هم اکنون نطفه های رهبری حرکات متشکل یافته و سازماندهی شده بصورت هسته های یکا ملامخفی در ارتش و در نیروی هوایی شکل میگیرد، و پرسنل انقلابی با ایجاد هسته های مخفی درباره حرکات - آینده برنامهریزی میکنند. این هسته ها چابکی های انفجارات توده های هستند که بموقع عمل خواهند کرد و تمامی هسته دشمنان طبقاتی زحمتکشان را به زیر ضرب خواهند گرفت، بسیاری از این هسته ها بطور خود بخودی و مستقل متشکل میشوند و پهرو گسترش خود را طی میکنند.

نه رژیم به هیچوجه قادر به پیشگیری از تداوم این حرکات نیست. اگرچه رژیم میخواهد با انجام یک سلسله تصفیه های وسیع جلوگیری نماید و این شکل ها را بگیرد، ولی این اقدامات آنچنان کور خواهد بود که هیچ گرهی از مشکل رژیم را نخواهد گشود، و در عمل به نارضائیهایی توده های دامن خواهد زد و زمینه را برای شکل و گسترش نیروهای انقلابی فراهم خواهد ساخت.

تصفیه های چندین هزار نفره اخیر موءید این مدعاست. تصفیه های اخیر آنچنان کور بود که تقریباً "ضربه قابل ملاحظه ای به پرسنل انقلابی وارد نشود و عمل از یکسوی رضائی توده های گسترش یافت و از سوی دیگر رژیم خود را از خدمات تعدادی بوروکرات با تجربه محروم ساخت. امروز اگرچه رژیم خونخوار اسلامی

هنوز هم قادر است با توسل به زور سیاسی از پرسنل رادرد خدمت خود بگیرد و دنیا زهای خدماتی بمب افکنها را از این طریق تا مین نماید، اگرچه رژیم هنوز هم قادر است از امکانات نیروی هوایی برای - سرکوب خلق کرد استفاده نماید، ولی فردا که جنبش اوجی تازه میگیرد و آگاهی پرسنل بیشتر شود، پرسنل انقلابی با تشکل و سازماندهی عالی سر به مقاومتی جانانه دست خواهند زد.

هم اکنون شاهد آنیم که پرسنل انقلابی با توسل به شیوه های ابتکاری مختلف از تا مین خدماتت بمبارانهای گردستان - خودداری میکنند ولی این شیوه ها هنوز قادر به توقف سرکوبهای هوایی و بمبارانهای جنا پتکارانه رژیم نمیباشد. با همه این احوال فرهنگ خرد بورژوائی هنوز هم - دامنگیر اکثریت پرسنل نیروی هوایی میباشد و این فرهنگ فاسد عامل مهمی در انفعال فعلی پرسنل نیروی هوایی به حساب میآید، گرایشات سلطنت طلبانه هنوز هم در میان پرسنل وجود داشته و ایسن گرایش بویژه در میان افسران ارشد و استوارهای قدیمی بیشتر است. ایسن گرایش در حال حاضر عمده نیست و اگر چه در حال حاضر خطری برای جنبش به حساب نمیآید اما کمبها دادن به آن نمیتوانند بمثابه خطر بالقوه محسوب شود، قبل از عزل بنی صدر از حکومت علیرغم شناخت نسبی که پرسنل از وی داشتند، اما تصور عوامان به پذیرش بد در مقابل بدتر و توهم تحقیقی مسالمت آمیز حکومتها از ارتجاع مذهبی به نوعی "موتکراسی" بورژوائی "گرایش" نسبتاً "وسیع نسبت به بنی صدر وجود آورد، اما بدنبال عزل بنی صدر برای - بسیاری مشخص شد که از این اما زاده هم معجزه ای ساخته نیست و توهم نسبت بوی

تحدود زیادی در هم شکست. اگرچه در حال حاضر مجاهدین خلق با پشتیبانی از وی توانسته اند در کسب سیاهی محتوم اوراندکی به تعویق اندازد، اما بهر حال توهم نسبت به بنی صدر و روز بروز بیشتر فرو میریزد. در میان قشر میانی افسران، همافران قدیمی، درجه داران کهنه ما موریتتهای خارج از کشور داشته اند. هنوز هم بنی صدر تا حدودی طرفدار دارد. اما از بین کلیه جریانات سیاسی مجاهدین خلق بیش از سایر جریانات طرفدار دارند، این هواداران عمدتاً در میان سربازان، درجه داران، همافران افسران جزء قرار دارند (در درده های ذکر شده هواداران سازمان نیز بیست و شش از سایر بخش ها نیرو دارند) گرایش به سمت مجاهدین رشد یافته است، اگرچه مطلق کردن تاکتیکیهای نظامی برای بسیاری از هواداران آنها سوال برانگیز بوده و در آنها ایجاد سردرگمی نموده است، در صورت ادامه این وضع عدم تصحیح تاکتیکیهای فوق الذکر از جانب مجاهدین این گرایش سیری نزولی را طی خواهد کرد.

با توجه به آنچه گفته شد وظیفه پرسنل انقلابی است که در جهت تشکل و سازماندهی هسته های مخفی حرکت کرده و در عین حال با تمام قوا سلطنت طلبان و ولیبرالها

را افشا کنند و اجازه عوامفریبی به ضد انقلاب مغلوب ندهند. ما ایمان داریم همچنانکه رژیم شاه مزدور نتوانست علیرغم تلاشهای مذبحانهاش بمشظور جدا کردن پرسنل انقلابی از توده های مردم موفق شود، رژیم خونخوار خمینی نیز با اعمال فشار و ایجاد جواختنای و ارباب رنجانی نخواهد برد. این قانون تاریخ است.

باجاسوسان و مزدوران رژیم

جمهوری اسلامی به مبارزه برخیزیم

رژیم جمهوری اسلامی همانند تمامی رژیمهای جنا پتکار رعایت کرده فریب و ریاکاری را یکسره بکناری زده و به ردیلانه ترین و بیشرمانه ترین شیوه های سرکوب و اختناق و جاسوسی متوسل شده است. رژیم با بکارگیری ساواک و بسیج و سپاه و انجمن های اسلامی با بوق و کرنا در تبلیغات گوناگون خود مدعی وجود یک ساواک ۲۶ میلیونی است. زهی بیشتر می، که با توسل به این نیرنگها میخواهند در کشتار کارگران از وجود عناصر متزلزل و دون صفت بهره جسته و فضای رعب و وحشت و عدم اعتماد را در صفوف کارگران گسترش دهند.

همکاران مبارز!

رژیم جنا پتکار جمهوری اسلامی که به نارتوانی انجمنهای اسلامی در درون کارخانجات و ادارات پی برده، سپاه پاسداران این ارگان سرکوب را در کارخانجات مستقر و به استخدام افراد جدیدی پرداخته تا به خیال خام خود به این وسیله جلوی اعتلا و رشد مبارزات بحق کارکنان و زحمتکشان را بگیرد. در پی این تاکتیک جدید، شاهد استقرار سپاه پاسداران در پایگاه و نام نویسی ۲۴ نفر از کارکنان جهت جاسوسی میباشیم. تعدادی از این افراد که همانا اعتبار شکنان و دزدان مسی باشند، در این سه سال ماهیتشان بر همه معلوم گشته، ولی تعداد دیگری که اخیراً به جمع آنان پیوسته اند، ما به ایمان همدار می دهیم که سرتوشتی متناهی با جاسوسان و مزدوران رژیم پیشین در ۲۲ بهمین وانتقام نموده های ستمکش از - خائنین در انتظار آنهاست. ما به این عده خیرتوصیه میکنیم که هر چه سریعتر به جمع همکاران خود بیا گردند، در غیر اینصورت اساسی آنان را افشاء خواهیم کرد تا همکاران مبارز تکلیف خود را با آنان روشن نمایند.

با اتحاد و تشکل خویش در جهت انحلال و برچیدن مراکز جاسوسی رژیم از قبیل انجمنهای اسلامی، کمیته های باصلاح و مقابله و متبکوشیم تا بتوانیم در ایجاد شوراهای واقعی کامی به پیش گذارده باشیم. جمعی از کارکنان پایگاه هسیراز ۶۵/۶/۲۸

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

هاشمی رفسنجانی: ماچپ گرانیتیم، سرمایه داری را حفظ میکنیم

خواهد شد.

خلاصه مطلب اینکه هاشمی تمام می سخنش اینست که سرمایه داران، زمین - داران، آسوده با شیدوهراسی بدل راه - ندهیدا ینگونه اقدامات نه برآی محدود کردن قدرت مالکیت و ثروت شما بلکه درجهت بکار انداختن چرخهای سرمایه داری و وابسته درجهت استعمار و غارت هر چه بیشتر توده های زحمتکش و درجهت منافع درآزمند تر شماست. و در این اطمینان خاطر دادن تا جایی پیش می رود که بدرستی میگوید "مجلس میرا تر از اینست که چپ گرای کند".

بله مجلس و مجلسیان بدرستی ما هیت خود را آشکارا میسازند. هاشمی بدرستی میداند که چپگرایان خواهان تغییراتی بنیادی در نظام ما که بر جامعه - آند. او بدرستی میداند که اولین اصل در قاموس کمونیست "تعرض به مالکیت خصوصی برای بزرگ تولید است".

هاشمی میداند که در کدامین سوزی مرز قرار دارد. مرزی جهانی، مرزی که در یکسوی آن سرمایه داران، زمینداران و تمام می جا میان آنان - که عمده ترین کوشش در جهت حفظ و حراست از مالکیت مقدس بر وسایل تولید است - قرار دارد و در سوی دیگر آن پرولتاریا و متحدانش. هاشمی بدرستی میداند که در آنسوی مرز در کنار سرمایه داران و حافظان مالکیت قرار دارد و از اینرو چنان او، مجلس و رژیم جمهوری اسلامی "میرا یند" که هیچگونه شبهه ای در مورد چپگرایی به آنان نمی رود. آنان خود سرکوبگران "چپگرایان سرکوبگران کمونیستها و سرکوبگران پرولتاریایی اند که خواهان تعرض به حیثه مقدس مالکیت است".

و این آن نکته اساسی است که با بدیهه تمام می توده های وسیع خلق و به تمام می طاقه کارگران صدها ره هزار باره توضیح داد. با یادگفت که کمونیستها خواهان لغو مالکیت خصوصی برای بزرگ تولیدند، با یادگفت که استعمار رفردان فرد، استعمار سرمایه داران زکا رگروغارت و چپاول خلق از سوی امپریالیسم همه و همه ریشه در مالکیت خصوصی برای تولید دارند و تنها و تنها کسی که "چپگرایی" میکنند، کسی که محدوده مالکیت را در هم شکنند و کسی که چپا رچوب سرمایه داری را خرد کنند و مانند توانست گام در راه - ساختن جهانی نو و جهانی فارغ از استثمار نهند. جهانی که در آن انسان، دشمن انسان نباشد. و با بدیهه آنان گفت که هاشمی ها، مجلسیان، خمینی و تمام می این رژیم پوسیده و سرکوبگر آنچنان از این خصوصیات میرا بند که کوچکترین شبهه ای در مورد چپگرایی آنها نمی رود.

خوبی در جهت رعایت اصول و مقررات اسلام بدهد. من همین جا اخطار میکنم که ممکن است شیاطینی که دست اندرکارانند برای ایجاد جونا سالم شیطنت کنند باین صورت که بگویند ممکن است افکار تندری در مجلس باشد و حدود مالکیت را بشکنند و بروند و نظر علما را دچار تردید کنند. و در جا معه جونا سالم ایجاد کنند و ما اخطار میکنیم که توجه کنند. اما ما بعد از یکسال و نیم این مجلس را شناخته اند و این کار را با شناخت انجام داده اند و مطمئنیم با شنیدن مجلس میرا تر از اینست که چپ - گرای کند و میدوانیم که با بحث و بررسی که در محیط با ز مجلس میشود بتوانیم در سایه اعتماد و مراعات حدود و شعور اسلام هم مشکلات را برطرف و هم به جا معه اعتماد بدیهیم که حدود مالکیت ها و فعالیتها و اقتصاد دی، کثرت و رزی، صنعتی، مالکیتها و حرکتها ی تولیدی که در جا معه میشود با قوا نین حساب شده ای که بگذرانیم بتوانیم انشا الله راه حرکت جامعه و اشتغال - جا معه را بنا کنیم".

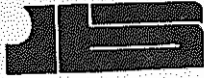
ابتدا بگذارید پیرایه های سخنان هاشمی رفسنجانی را بزداییم و ببینیم برای سنی او چه میگوید. هاشمی در تمام سخنانش به "امام" و همچنین سایر "علمای کسفت و سخت به اصول حفظ مالکیت سرمایه داران و زمینداران پایبندند (و این وجه اشتراک تمام می سرمایه داران رژیم است) اطمینان میدهد که مجلس بشکل کامل "اصول و مقررات اسلام" را که همانا حفظ و حراست از "حدود مالکیت" است به اجرا درخواهد آورد. هاشمی در این جا به کلی بیگانه ها، مرعشی ها، و سایر آیات عظام و همچنین اعدای شورایی - نگهبان یا دآوری میکند که گوی "شیاطین" را نخورند، تصور نکنند که مجلس قصد تعرض به حدود مالکیت سرمایه داران را دارد و در آرزوی دیگری نیز به "افکار تندری" (البته از نظر هاشمی دست اندرکاران رژیم تند) چون امثال رضا صفها نی ها و دیگرانی که احیاناً "تصور کنند با سوء - استقاده از قدرت ولایت رنگ و رویی به رفردا دهشده میدهند که دست از شیطنت بردارند و موضوع را دریا بند که معضل تنها و تنها فایق آمدن بر میرا رزه طبقاتی و بحرکت درآوردن چرخهای زنگزده اقتصاد وابسته ایران است. هاشمی با تاکیسد فراوان میگوید که "امام" بعد از یکسال کا "ملا" مطمئن است که مجلسیان میتواند به "جا معه" (که مسلما "منظور جا معه" سرمایه داران، تجار بازاری و زمینداران است) اطمینان و اعتماد دهند که "حدود - مالکیت" و فعالیتها ی اقتصادی و کثرت و رزی و صنعتی و... (کا "ملا" حفظ

در باره تفویض قدرت دیکتاتوری "ولایت فقیه" به مجلس اسلامی در مسوود مسائل "شأنی" "شأنی" "شأنی" "شأنی" روشن است که تنها رشد میرا رزه طبقاتی است که رژیم را وادار میکند از سویی به سرکوبی فاشیستی و تکیه بر سرنیزه روی آوردن از سویی دیگر مقدمات اجرای فرم را فراهم سازد. با رهاگفته ایم که از طرفی - کاتی چون بندج و یا لایحه مربوط به اراضی شهری را حتی نمیتوان یک فرم بورژوازی نامید، زیرا نسبت به سطح رشد میرا رزه طبقاتی آنچنان عقب افتاده و حقیرند که کوچکترین پاسخی به ابتدایی ترین خواستها نیز خمت آن درجهت رچوب بورژوازی نیز محسوس نمی شود. و از طرف دیگر رژیم به آنچنان بحران اقتصادی و ورشکستگی مالی دچار است که اصولاً قادر نیست فرم را بدین معنی واقعی (بورژوازی) آن به مرحله اجرا در آورد. رژیم آنچنان ورشکسته است که دستور توقف بر نامه های "عمرانی" را پی در پی صادر میکند و آنچنان ذخایر ارزی - اش به صفر رسیده که هرگونه بازگشودن اعتبار از سوی رژیم ممنوع اعلام شده است. اما بهتر بود دیکتاتوری خون آشام رژیم جمهوری اسلامی نیز بخوبی میداند که سرکوب بهیچ روی قادر نیست بر مبارزات طبقاتی فایق آید و حتما "و همواره به جا شنی رفردان زمیندار است. سران رژیم بخوبی واقفند که "با سرنیزه هرکاری - میتوان کرد جز آنکه برویش نشست" از - ابزوست که در حد توان خود مذبحا نسه میکوشند تا با حفظ چپا رچوب بحران زده و گندیده سرمایه داری وابسته مقدمات اجرای فرم های راجعت تکمیل سرکوب میرا رزه توده ها فراهم آورند.

بر این زمینه است که خمینی علی رغم مخالفتش با هرگونه دست درازی به حدود مالکیت سرمایه داران و زمین - داران - که نمونه باره آن در زمین - ساختن بند مفلوک و رنگ بریده "چشمی" توان یافت - قدرت "هریمنی" "ولایت فقیه" را بصورت شروط و با تاکیسد بر موقت بودن اعمال انجام شده به مجلس و امی گذارد تا خود از این "گناه کبیره" "هسر چندبشکل موقت آن، میرا باشد. و در این قبیل مجلس نیز با ردیگر بر ما هیست سرمایه داران نه وضد انقلابی خود سوگند یا دمیکندوبه "رهبر" اطمینان میدهد که بهیچ روی بر حیثه مقدس مالکیت دست درازی نخواهد نمود.

هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس و امام جمعه موقت تهران در خطبه های نماز جمعه (۲۴/مهرماه/۶۰) چنین مذبحا نسه بر ما هیت ضد خلقی این حرکت ای می فشرود میگوید "امیدواریم مجلس آزمایش

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



اخبار جنبش

مقابله کارکنان پالایشگاه اصفهان

با بخشنامه ارتجاعی وزارت نفت

بدنبال تشدید سیاست سرکوب و خفان حکومت ترور و عدا که هم اکنون از سوی رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی دنبال میشود غرضی وزیر نفت این سر دسته جماعت داران و سازماندهای سیا و وظیفه اجرای سیاستهای ضد خلقی رژیم را در صنعت نفت به عهده گرفته است اخیراً "بخشنا" می از سوی این وزارت - خانه و بنام غرضی صادر شده است که بر طبق آن تعطیلی پنجشنبه و ده در صحت کار کارهای کارگران قطع میگردد. حقوق و مزایای کارکنان در زمان رژیم شاه و با اعتصاب، تبعید و زندان بدست آورده اند. همچنین زمان کارنوبت کارگران را از شیفت به شیفت تغییر میدهند. نوبت کارکنان در زمان نوبت کارکنان را با کمی تغییرات (در نوبت ۱۶۰۸ - ساعت) با جراد آورند. روزیکشنبه ۶/۲۹/۶۰ هنگامی که کارکنان نوبت کار قصد ورود به پالایشگاه را داشتند مخالفت شدید نمودند. رئیس صداکارگر پالایشگاه روبرو میشوند. او که از بی اعتنائی کارگران نسبت به بخشنامه وزارت نفت سخت خشمگین بود خطاب به آنان میگوید: "ما به افرادی که به وزیر نفت اهمیت نمی دهند احتیاجی نداریم". کارکنان با شعار مرگ بر نژاد آمریکا بی مقابله با این مزدور رژیم می پرداختند. در همین موقع کارکنان روزگاری نیز که در حال خروج از پالایشگاه بودند پس از اینکه با این صحنه روبرو میشوند به پشتیبانی از همکاران خود بر می خیزند و شعارهای روزگار - نوبت کار، بیوندتان مبارک، مرگ بر نژاد آمریکا و مرگ بر آمریکا فضا را پر می سازد. در این روزگار کارکنان نوبت کار موفق میشوند پیروزه نژاد را به خاک مالیده و بیرون پالایشگاه ببروند. رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی که همواره از او چندی و کسترش حرکت کارکنان - نفت در وقت بسر میبرد بنا به ما هیست ضد خلقی خود بطرز وحشیانه ای به مقابله با این حرکت بر میخیزد و در روز بعد با دهها ژاندارم و پاسبان پالایشگاه اصفهان هجوم میبرند. رژیم با تکیه بر رعب و وحشت و بزور اسلحه در فرمهای خصوصی که نام و آدرس افراد در آن قید شده سراغ تک تک کارکنان رفتند و با گرفتن آنها از کارکنان میخواستند که طبق بخشنامه وزارت نفت بکار را ادامه دهند. با سدا ان نیز دستگیر نموده و با خود میبرند. (ضمناً ۱۴ تن از افراد کارگران نیز که از اعمال خست و وقهر بر علیه همکاران خود امتناع ورزیده بودند بجات تعلیق در می آورند) بدین طریق رژیم با تکیه بر سرکوب و زندان در مقابل خواستهای برحق کارگران

قرار میگیرند و مانع از گسترش و رشد آن میگردد. بدون شک پاره ای ضعفها در این موفقیت رژیم - اگرچه موقتی است - بی تا شیری نبوده است که کارگران مبارز با ید عمیقاً به آن توجه نموده و در صدد رفع آنها برآیند تا در آینده بتوانند مبارزات خود را به نحو مطلوبتری بسه پیش برند. این موارد بطور خلاصه بدین شرح است:

- ۱- عدم وجود شورای واقعی و اصولاً هر گونه تشکیلی در پالایشگاه اصفهان که کارگران بتوانند تحت رهبری آن مبارزات خود را به پیش ببرند.
- ۲- عدم ارتباط و هماهنگی بین کارکنان نوبت کار (شیفت) و روزگاری رحول خواسته های مشترک.
- ۳- نداشتن ارتباط کافی با سایر پالایشگاههای ایران.

بدون شک اعتراض و مقابله کارکنان پالایشگاه اصفهان و حرکتهای مشابهی که در سایر پالایشگاهها در هفته های اخیر صورت گرفته است بیانگر این نکته است که سیاست تشدید سرکوب و خفان و افزایش موج ترور و عدا آنها برخلاف پیش بینی های رژیم نتوانسته منجر به تشییع رژیم جمهوری اسلامی و رکود قطعی جنبش اعتزازی توده ها گردد. دیر نیست روزی که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بدست پرتوان و دور انسا ز کارگران و زحماتشان مینهد. ما ن به گورستان تاریخ فرستاده شود.

تهران

دوشنبه ۶/۲۰/۶۰ خبر تیرباران یکی از دانش آموزان دبیرستان پیشاهنگ در مدرسه می پیچد. در زندگ تفریح این خیر به دوست صمیمی دانش آموز شهید میرسد او متشنج شده مدافماً "جیغ میزند. اکثر دانش آموزان کلاس نمیتوانند خود را کنترل کنند و با شعارهای اتحاد، مبارزه، پیروزی و رفیق شهید را هت ادا می دارند "خشم خود را بروز میدهند. یک حزب الهی به مدیر دبیرستان خیر میهدا ما مدیر تنها به پدر ما در دانش آموزانی که حرکت زان رهبری میگردند تلقین زده میگوید "بچه های شما مدرسه را به آشوب کشیده اند" خانوادها نیز عکس العملی نشان نمی دهند. دانش آموزان قرا میگذاردند فردا همگی روسری مشکی سر کنند و تحمن نمایند روز بعد متوجه میشوند انقلابی شهید خواهر همکلاسی آنها میباشدا ما علیرغم این مساله همگی با روسری مشکی در مدرسه حاضر میشوند.

مدیر دبیرستان بغلت اینتکه اسامی دانش آموزان شرکت کنند در تظاهرات را ندادها است. آخراچ میشود.

در یکی از دبیرستانهای تبریز دانش آموزان یک کلاس متوجه میشوند اخباری که در کلاس ردوبدل میشود به گوش مدیر حزب الهی مدرسه میرسد. پس از تحقیق به دانش آموزی که در باره مدرسه سال قبل خود با سخنها ضد و نقیض میدهد مشکوک میشوند. چند روز او را زیر نظر میگیرند و متوجه رفت و آمدها پیش به دفتر

مدرسه میگردند. دانش آموزان بر طبق فرار قبلی زود به کلاس میروند و تمام - صندلیها را اشغال میکنند بطوریکه جا سوس مجبور میشود در صندلی جلوسینشد که به هیچوجه بر کلاس تسلط نداد در هر زمان، هم که برای کنترل دانش آموزان سر میگردند تا می کلاس به چشمان او زل می زنند. در عین حال در زنگهای تفریح هر کجا که جا سوس می ایستد فوراً اطرافش را خالی میکنند. یکی از دانش آموزان پشت سر معلم مور تربیتی شکلک در منی آورد جا سوس مزبور این عمل را به مدیر مدرسه گزارش میدهد از فردای آنروز در زنگ تفریح و موقع تعطیل مدرسه همه دانش آموزان در هر کجا که جا سوس را می بینند به چشمانش زل میزنند. پس از چند روز - جا سوس به تنگ میاید و تقاضای تعویض کلاس خود را می نماید.

پرولتاریا و آزادیهای دمکراتیک

بقیه از صفحه ۱۲

بوسی انحصارات رفت با آنان سازش - کرد و آنگاه که در حکومت قرا گرفت علیرغم تمام وعده های "آزادیخواهان" به کشتار و سرکوب وحشیانه توده ها پرداخت. لازم نیست یادآور کنیم که چگونه با زرگان "لیبرال" سرکوب توده ها، با یمال آزادیها، نابودی شوراها و کشتار خلقها را پیشه خود ساخت و در حکومت خود به هیچ یک از وعده های "آزادیخواهان" و "لیبرالیستی" خود عمل نکرد. ولانم نیست بگوئیم که بنی صدر "لیبرال" چگونه پیشگام کشتار خلق گرد و سرکوب دانشگاه و به خون کشیدن خلق ترکمن و... گشت و چگونه تمام نیروی خود را بسرای نابودی شوراها بکار گرفت اما پس از معزول شدن شعرا رشوراها را با ردیگر به دروغ علم کرد. تجارب عملی توده ها خود بهترین رسوا کنند آزا دیخواهی دوغین لیبرالیهاست. میتوان گفت "لیبرالیها" آنگاه که در قدرتند با تمام توان جهت حفظ سیستم سرمایه داری وابسته به سرکوب توده ها میپردازند و در این راه تمام آزادیهای دمکراتیک را پایمال میکنند. اما آنگاه که رقیب بر آنان - فاش میشود جهت کشتار توده ها به مسلخ میریالیسم (به شیوه خاص "لیبرالیها") پرچم آزادی خواهی علم میکنند و در این شیوه خود به آن دزدی شیبند که خود در جلوی میدوید و فریاد "آی دزد" بر می آورد.

رفقا! مجموعه مقالات "آزادیهای دمکراتیک و پرولتاریا" در اینجا بیان میگردد. این مقالات آموزشی به روشن نمودن نقش آزادیهای دمکراتیک جهت پیشبرد مبارزات توده ها و رسیدن به سوسیالیسم و همچنین شیوه های مبارزه در این راه ادا حتماً داشته است. این مقالات میتواند بشکلی آموزشی در هسته ها و حوزه ها به مطالعه و بحث نهاد شود. در این راه میتوان از کتبا بسیار و مقالاتی که در دسترس آنها است استفاده جهت بسط و گسترش مطلب یا ری جست.

اخبار جنبش

ابهـر

جندی پیش حجت اسلام حبیب الله مهدوی رئیس حزب جمهوری اسلامی ابهر که بتازگی مسئول نماز جماعت کارخانه مینوشده است برای مصاحبه و مذاکره با درون سالن تولید و تعمیر می رود او از کارگری سؤال میکند که هندس سؤال مذهبی و سیاسی دارم که باید پاسخ بدهی کارگری شجاعت هرچه تمامتر جواب می دهد که وقت نماز مردم روز ۸ ساعت وقت داشتیم که به سرما به داران (اشا رده رئیس کارخانه) فروختم مهدوی با ردیگر سؤال میکند که در مورد بنی صدر خان چه می دانی، کارگر میگوید هیچ چی شما گفتید با زرگان نخست وزیر ایران، ما هم گفتیم و با شما گفتید بنی صدر درصد ما هم گفتیم وقتی اینها موافق شما نشدند و با هم سرقا م دعوا کردند بدون رای ما آنها را از مقام خلع بید کردید، ما کارگر ها هیچگاه نظرمان را نتوانستیم بگوئیم چون وقتی میخواهیم بگوئیم بلافاصله اخراجمان میکنند و با ما رک غذا انقلاب میزنند، رشادت کارگر مورد تشویق و تحسین کارگران واقع شد.

ابهـر

در تاریخ ۱۵/۷/۶۰ میرا شریزش با ران که در پی آن سیل تعامی روستا های اطراف ابهر گرفت خسارات مالی فراوانی ببار آورده بطوریکه در نورین ۱۱ خانه بکلی ویران گشته و تعداد زیادی گوسفند به هلاکت رسیده اند. در قحچه آباد قروه - فتوش آباد - امیرآباد - پیر - زاغه - بخشی از خرمدره - شریف آباد و چند روستای دیگر با ران به تگرگ ریز و درشت تبدیل شده و محصول انگور را که بصورت تیزرا به زمین پهن کرده بودند ناخودساخته است اغلب روستا ثیان به زمین وزمان فحش میدهند و ناله میکنند بعضا از بیدی قضا و قدر شکوه میکنند و برخی نیز تعامی نگرا نیهای ناشی از سیل را از بدشگونی خمینی میدانند و میگویند در این سه سال بیشتر بلاها و آفتها را دیده ایم - زلزله - سیل - تگرگ و بدتر از همه جنگ که دیگر تعام هم نمی شود دیگر کمرا را خم کرده است . کشا ورزانی که جهت راه اندازی کشاورزی از بانک وام گرفته اند بیشتر از همه نارا خندودا تم میگویند چرا که لاجور بدهی را برداخت کنیم. کشا ورزی که بجهه بیمارشان را برای مدا و ایه بهر آورده - بود میگویند هیچ چیز ندا رم تعام هستی ام با غی بود که آنهم به غضب الهی گرفتار آمد. یک جوان روستائی که تا زه گیها به شهر آمده میگوید "عوض اینکه برای ما دکتر بفرستند و جا ده ما را درست کنند میگویند باید در روستا ها حزب تشکیل دهید آخر اینها برای ما بیداشت و دو ا و مدرسه میشود؟ من شا هدوست نیستم ما شما قضاوت کنید ا قلا" در زمان آن نا بکار (منظور شاه است) یک سپاه بیداشت بود و میآ مدرد ها ت به بیمار ان مبرسید اینها این را هم ندا رند بدهند" پس از -

واقع مداحان رژیم زقبیل تلویزیون و رسانه های کثیرا لا نشا ربرای مردم فریبی و اینکه چنین وانمود کنند که حامی افراد مستضعف هستند و در آنها را منعکس میکنند در چند روستا از جمله نورین حضوریا فتند و شروع به فیلم برداری کردند و در جواب اینکه با اینها چه خواهد کرد میگویند خانه های ویران را آباد خواهد کرد، اما مردم زحمتکش گوش به ایسن وعده های سرخرمن ندا دند و بدون توجه دور خبرنگاران را خالی کردند، و کینه خود را از رژیم با بی اعتنائی خود نشان دادند و هنگامیکه پاسداران سرما به با انواع سلاحهای گرم بسازا دته وارد روستا شدند چندتن از روستا ثیان روست آنها کرده و گفتند مگرا اینجا جبهه است که چنین نمایش میدهید.

ابهـر - روستای چالچق

چندی پیش از طرف سپاه به روستای چالچق میروند و در آنجا بنا ی تشکیل انجمن اسلامی ده را میگذاردند که بسا مخالفت مردم واقع شده و مردم در مسجد جمع شده میگویند ما که کار نیستیم همان نماز را اول هم میخواندیم و حالا هم در مسجد میخوانیم لازم نیست دین جدید به ده ما بیا ورید.

بروجرد

هیئت موسس کانون فرهنگیان - بروجرد طی اعلامیه ای از تعام دانش آموزان و معلمان خواسته است که در مقابل سرکوبها، اخراجها و... یکپارچه به مقاومت برخیزند و قسمتی از اعلامیه بدین شرح است:

همسهریان، همکاران و دانش آموزان آگاهان و انقلابی!

رژیم اسلامی از ۳۰ خرداد دود تعامی زمینه ها مردم حق طلب ما را تحت سیعانه ترین تعام خود قرار داده است. هر روز سخن فقط از اعدا ما است، هر روز صدا تن از فرزندان قهرمان خلق بجوخه های اعدا م سپرده میشوند، هر روز خون سرخ - بسیاری از دانش آموزان و معلمان انقلابی در کرا ر دیگر هموطنان زحمتکش خود سگش خیا با آنها را رنگین میسازد. این است هدیه رژیم به آفرینندگان ۲۲ بهمن فرزندان، شکنجه، ترور و اعدا م.....

معلمان و دانش آموزان متعهد و مبارزان!

شرایط بس حساسی برجا معه حاکم است و هر یک از ما به سهم خود در چگونگی شکل گیری شرایط جدید (خفقا ن یا آزادی) نقش بسزائی داریم، این وظیفه ما است به منظور جلوگیری از نا بودی کلاسی دستاوردهای قیام این خون بهای هزاران شهید و معلول و به منظور درهم شکستن محیط ارباب و خفقا ن و ترور و برقراری آزادیهای دمکراتیک، آگاهان و درسایه تشکل و گرد همائی و فعالیت، صدای اعتراض خود را نسبت به ا خراج هم کلاسی و همکاران و بیا دستگیری و اعدا م آنان به گوش جهان نیا ن برسانیم. این وظیفه همه معلمان و دانش آموزان انقلابی است که از کانونهای دمکراتیک و شوراهای مردمی به دفاع برخاسته و از هر طریق درگسترش آنان و دفاع از آزادیهای سیاسی فرهنگ انقلابی بکوشند.

بزرگداشت شهدای خلق در بروجرد

اعدامهای فاشیستی رژیم در سراسر ایران از جمله بروجرد خشم و نفرت توده ها را برانگیخت. تقریبا برای تمام اعدا مدشگان بروجرد در نماز شان مراسم بزرگداشت برگزار شد و تا آنجا که خا نوا ه های شهدا دجا خود سا نسوری نشد ه بودند مورد حمایت فعال توده ها قرار گرفتند. پدر رفیق شهید حمید رضاماهیگری گفته "اگر سپر به مرگ طبیعی مرده بود اینهمه جمعیت در مراسم و شرکت نمیگرفتند در مجلس یادبودی که در خا نه" مجا هد شهید "علیرضا شبرو" برگزار شد ما در قهرمان او با روحیه ای عالی به توضیح رمان فرزندان و خصوصیات اخلاقی و ایمن خلل نا پذیرش نسبت به راهائی توده ها پرداخت و به حضا رونید سرنگونی رژیم را در آینده ای نه چندان دور میداد. او میگفت "خوشا لم که شما راه علی را ادامه خواهید داد و تا سرنگونی رژیم زبانی نخواهید نشست" آنگاه حاضریین به شعرا دادند - پر دا خته و بدینوسیله خشم و نفرت خود را اعلام داداشتند. در بزرگداشت رفیق شهید "زوشکای" ما در شب با س نیا ه بنوشید و از مردم شرکت کننده میخواست که لباس سیا به تن کنند و میگفت "انقلاب آینه انقلابی سرخ و آه بود" و همگی را دعوت به مبارزه بر علیه رژیم می نمودند و بزرگداشت مجا هد شهید "ما دق" هواداران کثرت نیز شرکت میکنند و طبق رهنمود هبران خا نشان که گفته اند در مراسم شهدا شرکت کنید و به تطهیر و بزرگ کردن رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی بپردازید، ریگی از اطا قها خطاب به ما دروسا ایرا قوام - شهید میگویند "نبا بیدا ینها اعدا مشوند زیرا اینها تا آگاهان نه به این راه کشیده میشوند" که با عکس العمل انقلابی ما در مجا هد شهید روبرو میشوند ما در قهرمان در جواب با این خا نشین با خشم میگفت "پسر آگاهان نه این راه را انتخاب کرد و آگاهان نه شهید شد" و آنها را از خانه بیرون کرد. به این ترتیب یکبار دیگر نوکرفتنی هواداران اکثریت به وسیله مردم حاضر در جلسه فشاء و عملا ط سرد گردیدند. در مراسم یادبود رفیق شهید مرتضی طباطبائی نیز گروه کثیری از مردم شرکت داشتند که فرادمشکوک و جا سوس نیز در بین آنها توانسته بود به مراسم راه با بند. خواهر فدائی شهید از وضعیت زندگی برادرش و اینکه ورا به عنوان پدر نیز میدا نسته یا د کرد و گفت "او برای ما هم برادر بود و هم پدر، چرا که ما خیلی وقت پیش پدرمان را از دست دادیم" این مراسم با توضیح و تبلیغ مواضع و آرمان رفیق و سا زمان با بیان گرفتند. در بزرگداشت مجا هد شهید صفر مرادی که بعلت داشتن خویشا ن روستائی اکثریت جمعیت حاضر را روستا ثیان تشکیل میدادند. با سدا ران سرما به حمله میکنند که با مقا ومت مردم روبرو میشوند. شعرا "مرگ بر پاسدار، مرگ بر خمینی جلا د" قضای حیاط و کوچه را پسر میکنند و پاسداران از ترس خشم مردم - مجبور به فرار میشوند.

آخبار جنبش

● چگونه اشغال بوکان بدست جلادان رژیم جمهوری اسلامی

یورش رژیم روز دوشنبه ۶۰/۷/۷ - آغاز شد. از صبح روز دوشنبه ستونهای ارتشی از طرف میاندوآب و سقز بسوی شهر قهرمان بوکان، شهری که بیش از ۳۰ ماه در برابر یورشهای فاشیستی رژیم خونخوار جمهوری اسلامی قهرمانانسه مقاومت کرده بود بحرکت در آمدند. فانومهای نیروی هوایی و هلیکوپترهای هوایی نیروورسبها وراکتهای خود را به روستاهای اطراف بوکان که خالی از نسکه بود فروریختند. ستونهای پاسداران ارتشی در پناه شلیک توپخانه و هلیکوپترها و فانومها حدود ۱۰ کیلومتر پیشروی کردند و در سر راه خود کلیه بات و قلمزارها را با تاش کشیدند که تنها با هجوم مغول قابل مقایسه بود. از حدود ۱۰ صبح صدای زیرآ میولانسهای حامل اجساد و زخمیان مزدور فضای شهر میاندوآب را پر کرد که خبر از مقاومت دلورا نسکه پیشمرگان قهرمان میداد. روز سه شنبه هلیکوپترها روستای "سار قمیش" را بمباران و با خاک یکسان کردند گویي تنها رسالت آنان تخریب خانه های مردم زحمتکش کرد بود اما بهر حال روز سه شنبه تلاشهای مدیوحانه رژیم بی شرمانه بدنبال جنایات رژیم مینی بریغباران و کشتار مردمی دفاع، روز جمعه ۱۰ مهر پیشمرگان قهرمان فدائی، دمکرات و کومله برای جلوگیری از خونریزی مردم زحمتکش کرد تصمیم به ترک شهر گرفته و صبح روز شنبه ۶۰/۷/۱۱ فرامسلح رژیم با وجود تخلیه شهر، ترسان و لرزان در اطراف شهر قهرمان بوکان موضع گرفتند و سپس وارد شهر شدند و شروع به دستگیری مردم کردند. در این جریان حدود ۸۰ تن از مزدوران رژیم کشته و دهها تن زخمی شدند که به بیمارستان میاندوآب، مراغه منتقل شدند و تعدادی از زخمیان نیز با هلیکوپتر به بیمارستانهای تبریز انتقال یافتند. اما از نیروهای انقلاب دوتن از افراد کردی دفاع روستاهای بوکان کشته شدند. روز یکشنبه ۶۰/۷/۱۲ پیشمرگان قهرمان کرد در چند کیلومتری میاندوآب با پاسدارانی که جهت به اصطلاح کساری روستاها رفته بودند مواجه شدند و ۶ تن از این مزدوران را به هلاکت رساندند.

● مردم قهرمان لرستان!

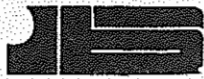
سحرگاهان ۲۷ و ۲۸ شهریور ۶۰ - شیوه های مرسوم صحنه های دیگری از جنایات رژیم جمهوری اسلامی در شهرهای خرم آباد، بیروجرد، نهاوند، دورود و... تکرار گردید. سه پیشورا انقلابیون - مبارزی چون محی الدین عباسی، ایرج سوری، باقر حاج علی محمدی، محمود عسگری، علی قاضی (مجاهد) هدف رگبار مسلسل رژیم قرار گرفت. جرمشان چه بود؟ دفاع از منافع زحمتکشان، مبارزه علیه امپریالیسم جهانی، بسرتزدگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه خلیش،

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

آنها برای بوجود آوردن جامعه ای مبارزه میکردند که حاکمیت کارگران و دهقانان و زحمتکشان شهراترطبق شوراها و انقلابی اعمال گردد. بر مردم قهرمان ایران است که با کسرتش هر چه بیشتر اعتراضات خود علیه سفاکیها و بیاد دگرپهای رژیم روبه زوال و با حمایت فعال از زندانیان دربند و افشای هر چه بیشتر این جنایتها در هر گوی و بوزن مشت محکمی بردها ن دزخیمان بگویند و تلاش حکومتگران - جلادان برای ادا ملسله سنگین خود بیه شکست کشانید انقلاب در نطفه خفته سازند. تا ریخ گواهی بر این مدعا است که هیچ رژیم ضد مردمی تاب مقاومت در - براموج خروشان خلق، آنگاه که بر - خیزند و یکصدایخروشن در اندازد. بیه یقین دیر نیست که حکومت جلادان با مقاومت یکپارچه شما مردم قهرمان ایران سرنگون گردد و درهای زندان ها گشوده شود و پرچم خونین انقلاب پیروز بر هر بام و خانه ای با هتزازد آید. مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شورا های انقلابی، پیش بسوی مجلس سوسان. هوا داران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - خرم آباد. ۷ مهر ماه ۶۰

● راهپیمائی مردم درود برای تجلیل از شهدای فدائی و مجاهد

روز سه شنبه ۶۰/۷/۷ ساعت ۳/۵ - بعد از ظهر جمعیتی بیش از ۱۰۰۰ نفر، خانوادها و شهدای خانواده های زندانیان سیاسی و جمع کثیری از مردم برای تجلیل از ۱۴ شهید فدائی خلق و مجاهد خلق که بدست جلادان رژیم روبه مرگ جمهوری اسلامی به جوخه عدا مسپرده شدند در یک راهپیمائی اعتراضی در خیابانهای شهر بیطرف مزار شهدا حرکت میکنند. در پیشا پیش جمعیت دسته های بزرگ گل سرخ نشانه آرمان سرخ شهیدان است حمل می شود و سرخی که عکس فدائیان و مجاهدین شهید روی آن نصب شده بود دیده میشد که بنویست آنرا بالای دست میگرفتند. بعد از گذشتن از خیابانهای شهید در حالی که پاسداران حزب الهیها و جاسوسان همجا را کنترل میکردند، مردم به قبرستان رسیدند. بر سر مزار شهدا جمعیتی حدود ۱۵۰۰ نفر گرد آمده بودند، آنان با دادن شعارهایی در دفاع از آرمان سرخ شهیدان یادشان را گرامی داشتند. بعد از بر - گزارای مراسم در قبرستان مردم متحد و یکپارچه در صفهای منظم بطرف شهر راه - پیمائی کردند. راهپیمائی فوق، مشت محکمی بود که بردها ن رژیم جمهوری اسلامی و - جاسوسان آنها کوبیده شد. مردم بسدون ترس از حمله پاسداران سرمایه عزمی را سخ و بیولادین نشان دادند که با اتحاد و تشکل میتوانند پیروز رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را به خاک بمانند. همچنین، روز پنجشنبه ۶۰/۷/۹ مجدداً این حرکت در باغی وسیعتر و کیفیتی برتر انجام شد. جمعیتی در - حدود هزار و پانصد نفر از مردم زحمتکش و محروم دور و در حالیکه خانوادها ی اعدا دشگان در پیشا پیش آنان حرکت میکردند بسوی گورستان شهر راهپیمائی



نمودند. تعدادا جنما عکندگان در - گورستان شهر به ۳۰۰ نفر میرسد که هگی با خشم انقلابی خویش نفرت خودشان را از دزخیمان جمهوری اسلامی و حما بیست بیدریغ خود را از خانواده های شهدا باز میداشتند. پاسداران مزدور جمهوری اسلامی که تاب این همبستگی و حما بیست توده ای را ندا شدند بمنظور برهم زدن مراسم به خانوادها شهدا حمله کردند و در عدد برآمدند عکسهای شهدا را از دست آنان گرفته و جمعیت را متفرق نمایند که با فریاد و شعارهای خشمگینانه مردم که فریاد میزدند "مرگ بر پاسدار" مواجه شده و فرار را برقرار ترجیح دادند. سپس از پایان مراسم تجلیل از شهدای فدائی و مجاهد خلق، مردم با راهپیمائی وارد شهر شده و پس از طی چند خیابان متفرق شدند.

● خرم آباد

مزدوران رژیم برای شکست انقلابیون و جلوگیری از رساندن صدای راستین آنان به توده های زحمتکش به هر جنایتی دست میزنند. بهمین منظور فالانژها برای جلوگیری از نوشتن شعار و پخش اعلامیه توسط نیروهای انقلابی در باغی درخت سنگر گرفته و در انتظار رشک انقلابیون می نشینند. درنگها نیهای خیابانهای شب از دختران فالانژها و پاسدار نیز استغفا ده میکنند. مریم عبدالی معرف به نازک و توپولوف به همراه دوتن از دختران فالانژها زلفا لئیرین ایمن - مزدوران خود فروخته هستند.

* پاسداران رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی که بشیرمانه توده ها و انقلابیون را سرکوب میکنند در تارخ ۶۰/۶/۳۱ به دهکده داران اطراف سزده - میدان (مرکز شهر) یورش برده و قصد تخریب آنها را داشتند در اینحال یکی از دهکده داران در حالی که در دهکده خود نشسته بود گفت مرا هم با دهکده ام از بین ببرید که مزدوران با دیدن این صحنه مجبور به عقب نشینی شدند.

● خرم آباد

مزدوران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی برای کسب قدرت و سهم بیشتر چون شگن ها ربه جان یکدیگر افتاده اند. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بیهوده برای جلوگیری از سقوط حتمی خود بیه هر جنایتی دست زده و با اشکال مختلف شیوه های سرکوب و سارماندهی خیره - خواران خود دست می یازد. اما از آنجا که این همه جنایات از طرف توده های بی جواب نمانده و توده های زحمتکش به اشکال مختلف، مخالفت و دشمنی خود را نسبت به رژیم اعلام نموده و مبارزه خود را تا سرنگونی حاکمیت جمهوری اسلامی ادامه میدهند، رژیم در اوچدرماندگی از حمل بحران و سرکوب توده ها و نیروهای انقلابی در درون دچار اختلال و همجنین اختلاف سلیقه بر سر شکل سرکوب و کسب سهم بیشتر از این خوان یغما، گردیده است. و اینهمه درست در زمانی صورت - میگیرد که سردمداران هرکدام به نوبه خود سعی مینمایند مسئول این همه ناسامانی و جنایات را نیروهای انقلابی قلمداد نمایند. صف دشمن در سرا سرجا معما دچار شکاف گردیده و مزدوران رژیم در مقابل بقیه در صفحه ۱۶

پاکسازی کردستان یا قتل عام خلق کرد؟

رژیم جمهوری اسلامی بیش از ۲/۵ سال است که کردستان را با بمب و راکت میکوبد بیش از ۲/۵ سال است که مداوماً "پیروز" میشود "اشرار را میکشد، حاکمیتش را - "مستقر" میکند و "خدا انقلاب را تار و مار" مینماید. و بیش از ۲/۵ سال است که خلق کرد از تمامی این "عملیات متهورانه" استقبال میکنند و بارقه‌های یاکوسی به دشمن شکر الله و اکبر "شکست خدا انقلاب و پیروزی رژیم" را جشن میگیرند. اما بس از تمامی این مدت هنوز رژیم نتوانسته است در کردستان مستقر شود!

بقیه در صفحه ۱۱

پتک است خون من در دست کارگر پتک است خون من در دست بزرگر

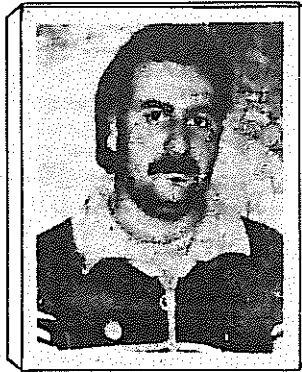
شهادی آبانماه

- ★ جمعه ۳ آبانماه ۵۳ رفیق شهید فدائی خلق محمد رضا چمنی
- ★ سه شنبه ۲۰ آبانماه ۵۴ رفیق شهید فدائی خلق رحیم خدا دادی
- ★ سه شنبه ۶ آبانماه ۵۵ رفیق شهید فدائی خلق علی دبیری

از قیام به سا زماندهی مردم غار جول - مسئله مسکن اقدام کرد. او بعنوان یک چهره شناخته شده در منطقه جنوب تهران بخصوص در گودها و میدان غار مورد علاقه زحمتکشان بود در انتخابات شورای - محلی یکی از افرادی بود که بیشترین رای را آورد. همه مردم میدان غار، شوش و گودها صحبت از رفیق را هنگامی که از آرمانهای کارگران و زحمتکشان سخن میگفت به یاد دارند. خصلت های انقلابی رفیق از او یک عنصر مورد علاقه زحمتکشان ساخته بود.

سرانجام در اواسط تیرماه ۵۳ هنگامیکه صبحگاه رفیق غار محل کارش بود توسط مزدوران کمیته هنردی دستگیر شده شب دزخیمان به محل زندگیش رفیق و خانوادهاش در گود ریخته و سایر افراد خانوادهاش را نیز دستگیر کردند و وسایل ناچیز خانه محقرشان را غارت نمودند و تنها مادر رفیق توانست از دست مزدوران بگریزد.

سرانجام در تاریخ ۲۶/۶/۵۳ در حالی که تمام افراد خانوادهاش در باری زداشته رژیم ضد انقلابی خمینی بودند قلب پندیده رفیق به همراه سایر رفقای قاسم و اصغروسایرانقلابیون اماچ گلگوله های امریکائی و اسرائیلی رژیم قرار گرفت و به خیل شهدای خلق پیوست. یادش گرامی باد.



رفیق شهید فدائی خلق

عزیز محمد رحیمی

فدائی خلق رفیق عزیز محمدمرحیمی در سال ۱۳۳۰ در یک خانواده - زحمتکش متولد شد. بعد از تحمل رنج فراوان و گرفتن دیپلم به سرپازی رفت در این دوران بود که با مواض سا زمان آشنا شد و از آن پس همواره به تبلیغ آن میپرداخت. رفیق در قیام شکوهت مند بهمین به همراه مردم محله (شکوه های - جنوب تهران) نقش فعالی داشت و بعد

خبرهای از

نیروی هوایی

در نیروی هوایی در سه و طه پاکسازی مجددی صورت گرفته است. در مرحله اول ۳۷۵ نفر در جدا از گروهها دوم دوساله یا سه ساله ۲۴۰ نفرهما قرار همافروم تا سه ماه فر ۷۵۰ نفر نیز افسران استوانسوم تا سه رهنک (که البته تنها یک یا دو نفر سرهنگ بودند) پاکسازی شدند. صبح وقتی که پرسنل به پایگاهها می آمدند توسط دژیان کارت سناسائی پاکسازی شده ها گرفته میشد و مانع ورود آنها میگشتند. این افراد جلوی پایگاه جمع شده شعارها می میدادند که مضمون آن عمدتاً "اتلاف عمر آنها در ارتش و احتیاج به نان و مسکن بود افراد پاکسازی شده میگفتند "من در این ارتش ۱۵ سال عمرم به هدر رفته، زن و - بچه ام نان می خواهند، تقصیر ما چیست، ما چرا پاکسازی شده ایم" این هم از ثمرات انقلاب این رژیم "صدای این افراد تمامی پایگاه را فرا گرفته بود و بعد از چند لحظه فرمانده پایگاه یکم ترابری به جلو آمد و برای افراد صحبت کرد. ولی پاکسازی شده ها به حرفهای او توجهی نکردند. و بنا فریاد می گفتند "تودروغ میگوئی، از اول هم همین حرفها را شما و دیگر فرماندهان

بقیه در صفحه ۶

فاجعه سینتارکس

آبادان
دوباره تکرار شد
در صفحه ۹

ویژه نامه ۱۳ مهر روز
شهادت فدائی کبیر
رفیق اسکندر
(سیامک اسدیان)
منتشر شد

توضیح و بوزش
در مورد سرمقاله کار شماره ۱۳۱
رفقا! از آنجا که سرمقاله در آ خریدن ساعات برای چاپ آماده شد و فرصت کافی برای تصحیح غلط چاپی نبود متاسفانه چند کلمه اشتباه چاپ شده که با بوزش - تصحیح میگردد:
۱- ص ۲ ستون ۱ سطر ۵ حرف اضافه "از" اضافی است.
۲- ص ۲ ستون ۲ سطر ۳۶ همگامی چاپ شده که منظور همگامی است.
۳- ص ۲ ستون ۳ سطر ۵ الفاضالی است
۴- ص ۲ ستون ۳ سطر ۱۳ خدمت باید جهت چاپ میشد.
۵- ص ۲ ستون ۳ شماره ۴ بسیج باید تسلیح چاپ میشد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد